

پیشگویی آینده

برای اولین بار در ایران

اثبات پیشگویی، معرفی روشها و آموزش آن

کتاب مقدماتی و پیش نیاز دوره های آموزش پیشگویی

با علوم جفر، رمل، نجوم و سیستمهای نوین رهنما

نویسنده: استاد هما نیانکذازارکتب

علوم درونی تا یا در ایران و جهان

((اخطار شرعی))

هرگونه کپی، چاپ و تکثیر به هر روش و با

هر وسیله ای از روی مطالب این

کتاب شرعاً حرام است.



معرفی کتاب

این کتاب، مقدمه ای بر شناخت علم پیشگویی و معرفی روشهایی است که ما در دوره آموزشی این علم آنها را تعلیم میدهیم. در حقیقت این کتاب، شناخت مقدماتی خوبی برای کسانی که مایلند علمی مانند: **بَفر**، **رَمَل**، **نجوم امکامی و انواع فالها** را فراگیرند ایجاد کرده و باعث میشود تا آنان با آشنایی قبلی و آگاهی کامل به سراغ این علوم بروند.

مطالب این کتاب حاصل سالها تحقیق و تلاش شخصی من بوده و درستی آنها از هر نظر برای بنده به اثبات رسیده است. علمی که در این نوشتار مورد بررسی قرار میگیرند، هر کدام از سابقه ای چند هزار ساله برخوردار بوده و دارای پشتوانه عظیم علمی میباشند و با باورهای خرافی، یا بازیها و سرگرمیهای علمی متفاوتند. شاید برای یک عده علوم ارزشمندی مانند، **رَمَل و بَفر** و اعمالی مانند، **فال قهوه و تاروت و امثالهم**، نوعی سرگرمی و تفنن بحساب آید. اما حقیقت آن است که اگر ادعاهای کولی های فالگیر دوره گرد و رمالان دروغین و دعا نویسان بازاری را کنار بگذاریم، آنگاه با حقیقت عظیمی در پس پرده اعمالی مانند، **فال قهوه** و مانند آن که در نزد عامه مردم بسیار ساده جلوه میکند و روبرو خواهیم شد که در وهله اول نه تنها باور آن برای اکثر ماها مشکل است بلکه عده زیادی آنها را نوعی حقه بازی بحساب میآورند. حال دیگر درباره عظمت علمی مانند، **رَمَل و بَفر** چیزی نمیگوییم چون،

به تأیید بسیاری از علماء آنها جزو معجزات و کرامات پیامبران و ائمه علیهم السلام بوده و شرافت بالایی دارند.

متأسفانه فضای فعلی جامعه ما، اتمسفر مناسبی برای طرح آشکار این بحثها نمیباشد. بدلیل عملکرد غلط عده ای شیاد، عامه مردم و حتی بسیاری از خواص هم نظر خوبی نسبت به این علوم ندارند و آنها را گاهاً جزو اعمال شیطانی بحساب می آورند. در صورتیکه اگر مجالی باشد و بشود حقیقت این علوم بسیار شریف را در نزد اهل علم مطرح کرده و به اثبات رسانید، آنگاه است که همگان با چهره واقعی آنها آشنا شده و عظمت این علوم ارزشمند را بهتر و بیشتر درک خواهند نمود.

ما در دنیایی زندگی میکنیم که لبالب از اسرار و شگفتی است و اینهمه که از رازهای هستی عیان شده و میشود، چونان قطره ای در مقابل اقیانوس است. اسرار این عالم حکم کوههای یخ را دارند که معمولاً حجم عظیمی از آنها زیر آب است و دیده نمیشود.

شناختی که ما در حال حاضر از جهان خود داریم بسیار سطحی و سست بوده و به هیچوجه نمیتوان با آن هیچکدام از پدیده های به اصطلاح **ماوراء الطبیعه** را نه اثبات و نه رد کرد و نه توجیه نمود. هدف اصلی من در این کتاب آن است که شما را با واقعیتهای جهانی که در آن زیست میکنیم آشنا سازم. به اعتقاد بنده، اگر ما شناخت خود را در رابطه با عوالم مادی و معنوی ارتقاء دهیم مسلماً زندگی ما نیز دستخوش تغییر خواهد شد. تغییراتی که باعث میشود زندگی را آنگونه که هست تجربه کنیم و دنیا را آنگونه که وجود دارد بینیم و بشناسیم. کشف همه حقایق عالم و پی بردن به تمام اسرار در گروه شناختی راستین است نه آن شناختی که بنام حقیقت عالم به خورد ما داده اند.

شناخت حقیقی از هستی موضوع اصلی و هدف تمام مذاهب و مکاتب عرفانی و نحله های گوناگون

فکری و فلسفی در طول تاریخ زندگی بشر بوده و می باشد. همه پیامبران از (زرتشت و ابراهیم و موسی

و عیسی و بالآخره حضرت محمد ﷺ آمدند تا حقایق عالم را برای ما بازگو نموده و راه حقیقی را

به انسانها نشان دهند. بنظر من ساده اندیشی است، اگر فکر کنیم آنهمه زحمتی که نبی گرامی اسلام و

ائمہ معصومین علیهم السلام کشیده و ناملایماتی را که تحمل نمودند، فقط بخاطر این بوده که مردم نماز

بخوانند و روزه بگیرند. چه اگر اینگونه بود خداوند عالم میتواندست بزور قدرت، گردنکشان عالم را

و ادا کنند تا از فرامین او اطاعت کرده و شرط بندگی را بجای آورند. اینکه خداوند متعال در قران

کریم، میفرماید: (لا اکرأه فی الدین) دقیقاً بخاطر همین شناخت است. زیرا اگر انسانی به شناخت

حقیقی برسد خود میداند که چه کسی را پرستش کند و چنین آدمی نیازی به زور ندارد. اینهمه که در

دین مبین اسلام سفارش به تفکر و اندیشیدن شده و حتی در بعضی موارد فرموده اند: یک ساعت تفکر

بهتر از هفتاد سال عبادت است. نشان از ارزش اندیشه در این دین آسمانی دارد. (البته اندیشه ای

که به شناخت حقیقی ختم شود. و گرنه، اینکه انسان یک ساعت که هیچ، صد ساعت هم بنشیند و رویا

پردازی کند ارزشی ندارد). انسانها ذاتاً میل و افری به شناخت و پی بردن به حقیقت عالم و کشف اسرار

و رازهای جهان هستی دارند. ما زمانی که شروع به شناسایی حقیقت عالم میکنیم، ناگزیر با تمام جنبه

های آن درگیر میشویم و از این شناخت نتایج فرعی هم بدست می آید. که یکی از آن نتایج، پی بردن

به این راز است که ناگهان میفهمیم ما که خیال میکردیم، تا اتفاقی نیافتاده نمیشود در باره آن صحبت

کردواز آن خبر داد، اشتباه می‌کردیم، بلکه اصلاً ساختار دنیای ما بشکلی است که میتوان اینکار را انجام داد و اتفاقاً راههای زیادی هم برای انجام آن وجود دارد و این کتاب هم میخواهد آن راهها را بما بشناساند.

این کتاب حاوی مطالب حقیقی در باره ماهیت این علم بوده و با سایر کتابهای بازاری که به قصد خود نمایی و فروش نوشته میشود متفاوت است. شما نظیر مطالب این کتاب را در جای دیگری نمیتوانید پیدا کنید، زیرا شناختیکه از طریق آن صحت پیشگویی اثبات میشود، متعلق به مکتب (علوه درونی تایما) بوده، که زیربنای فکری آموزشهای ما را تشکیل میدهد.

باید بگویم، این برای اولین بار است که در جهان، علم پیشگویی به این صورت که مابه آن پرداخته ایم مورد بررسی قرار گرفته و صحت آن اثبات میگردد. توجه به مطالب بخش شناختی این کتاب برای کسانی که در زمینه (علوه قرآنی) فعالیت دارند اسراری از آن کتاب الهی را فاش میسازد که فقط برای کسانی قابل درک است که خداوند چشم و گوش باطنی آنها را برای درک رازهای عالم باز کرده باشد. من معرفی کتاب رادر همینجا به پایان میبرم تا شما هر چه سریعتر به مطالعه آن بپردازید.

در پایان برای تمامی شما عزیزان آرزوی سعادت و سلامت و بهروزی دارم. **دوستدار شما، (هنما)**

مُقَدِّمَةٌ

پی بردن به اسرار نهانی یکی از جذابترین علایق و سرگرمی آدمیان (سرگرمی برای عامه مردم و نوعی علم و تخصص برای خواص و اهل علوم غریبه) در تمام طول تاریخ بوده و فارغ از بحثهایی که همواره در رد یا قبول و احتمال صحت این علوم در بین انسانها در میگرفته آن، همچنان جذابیت خود را در نزد اکثریت مردم حفظ کرده و فنون و روشهای آن بطور مدام در حال توسعه و تکامل میباشند.

پیشگویی آینده و خبر دادن از احوالات غیبی و آینده و گذشته موضوعی است که در طول تاریخ زندگی بشر فکر او را بخود مشغول کرده و هزاران سال است که انسانها جهت پی بردن به اسرار و پیشگویی آینده و دریافت اطلاعات در باره افراد و اتفاقات و پی بردن به خوب و بد اعمال و اطلاع از سرنوشت خویش به روشها و وسایل و امکانات متفاوتی روی آورده و در هر دوره ای روشها و فنونی پا به عرصه عمل گذاشته اند که بعضی از آنها بسیار دقیق بوده و عاملان خود را به نحو حیرت آوری قادر به درک و فهم اتفاقات آینده و پیشگویی دقیق از آنچه که قرار است بعدها اتفاق بیافتد نموده اند.

روشهای پیشگویی بسیار متنوعند و در طول صدها هزار سال در میان هرملتی و قوم و قبیله ای سیستمهای متفاوتی ابداع یا کشف شده و بکار میرفته اند. بسیاری از این روشها و فنون بدلیل اینکه دارندگان آنها مایل به انتقال دانش خود به دیگران نبوده اند با مرگ آنها در زیر خروارها خاک دفن شده و اسرارشان تا ابد فاش نخواهد شد. بسیاری از اساتید این علوم هم بر اثر جنگها از بین رفته و دانش آنها نیز بامرگشان نابود گشت.

این مقدار از علمی که در حال حاضر در اختیار ما قرار گرفته قطره ای از اقیانوسی است که گذشتگان ما به آنها دسترسی داشته اند. تحقیقات دانشمندان و باستان شناسان ثابت میکند که اجداد ما برخلاف آن چیزی که ما فکر میکردیم موجوداتی ابتدایی بشمار نمیرفتند. بلکه آنها از راههایی که فعلاً برای ما ناشناخته است، پی به اسراری از جهان هستی برده و به جایگاهی از نظر علمی دست یافته بودند که برای انسانهای حال حاضر با تمام پیشرفتهای تکنولوژیکی و علمی اگر محال نباشد بسیار سخت است.

مطالب این کتاب در پیچه ای نو به روی علاقمندان علوم غریبه یا ماوراء الطبیعه گشوده و دیدگاه نوینی را در اختیار شما میگذارد، دیدگاهی که اگر آن را درست بکار بگیرید، چنان شناختی بشما عطا میکند که بوسیله آن موفق به درک اسرار جهان هستی میگردید. تمام سعی من در این کتاب و تمامی کتبی که تا کنون نوشته ام آن بوده است که شما را به سوی حقیقت رهنمون گردم. حقیقتی که تاکنون بدلائل مختلفی از ما مخفی شده، با رسیدن به این حقیقت زندگی ما دگرگون میگردد، زیرا ما تاکنون زندگی واقعی را، حتی احساس هم نکرده ایم. (برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه کتاب، شناخت حقیقی از جهان هستی بر اساس آموزه های مکتب تایما نوشته بنده را مطالعه فرمایید).

زمانی که دیدگاه ما نسبت به مسئله ای تغییر میکند خود بخود اعمال و رفتار و عکس‌العملهای ما هم نسبت به آن موضوع عوض میشود. مثلاً عده ای چون دیدگاهشان نسبت به پیشگویی بدلالی که من نمیخواهم در این کتاب آنها را مورد بررسی قرار بدهم منفی است پس، نه تنها خود بسمت این علم نمیروند، بلکه دیگران را هم از وارد شدن به این وادی نهی میکنند و به همین سادگی قشر عظیمی از علاقمندان را از رسیدن به دانشی عظیم باز میدارند.

در صورتیکه اگر این اشخاص ذهن باز و بی غرضی داشته و بدون تعصب این مسئله را از نقطه نظر علمی مورد بررسی قرار میدادند مطمئناً نظرشان عوض میشد. حتماً شما هم در کتابهای تاریخی این مطلب را مطالعه کرده اید، که در قرون وسطی دانشمندانی را فقط بجرم گفتن این مطلب که زمین بدور خورشید می‌گردد زنده زنده در آتش میسوزانیدند.

به اعتقاد بنده، بزرگترین دشمن بشر جهل اوست، زیرا که، تمام بدبختیهای ما از این جهل و نادانی برمیخیزد. زندگی ما یک تجربه، یا یک میدان مبارزه است. و زمانی ما میتوانیم از این مبارزه سربلند بیرون آییم که تا حد امکان خود را مجهز و آماده کرده و از تمام فرصت‌ها بهترین استفاده را ببریم. اگر به پیشگویی به عنوان یک علم کاربردی بنگریم آنگاه میتوانیم از آن بعنوان یک سلاح در این نبرد دائمی استفاده کنیم. این علم به ما این امکان را میدهد تا از بسیاری از اتفاقات بدو ناهنجار قبل از اینکه رخ بدهند باخبر شویم. کمترین فایده اینکار آن خواهد بود که حتی، اگر نتوانیم جلوی پیشآمد یا رویداد تلخی مانند زلزله را بگیریم، حداقل با آگاهی و آمادگی بیشتری میتوانیم با آن مقابله کنیم.

فرض کنید، اگر شما بتوانید به قدرتی دست یابید که مثلاً بتوانید وقوع یک سیل یا زلزله را پیشگویی کنید جان چند نفر را نجات داده اید؟ آیا این لذت بخش نیست؟ یا اینکه اگر بتوانید از یک ازدواج ناموفق جلوگیری کنید، این چقدر ارزش خواهد داشت؟ آیا میشود ارزش این اعمال را با پول سنجید؟ بسیاری بدلیل تعلیمات غلطی که به آنها داده شده فکر میکنند، اشتغال به اموری اینچنینی مخالفت با مذهب بوده و قدرت خدا و عالم بودن او را زیر سؤال میبرد. و یا بقول عوام، دست بردن در کار خداست. ما در این کتاب ثابت میکنیم که این افکار نه تنها غلط است بلکه، اتفاقاً هرچه انسان بیشتر در این مسیر پیش برود، بشرط اینکه دانش او موجب ازیاد ایمانش گردد موجب رضای خداوند خواهد بود. اگر خداوند متعال مخالف پی بردن بشر به اسرار هستی بود. به او، این عقل و مغز متفکر را نمیداد که بوسیله آن بیاندیشد و اینهمه اختراعات محیر العقول بوجود آورد. با من همراه باشید تا به اذن خدا از عجایب این عالم شما را آگاه کنم.

پاسخ به سؤالات

من ترجیح میدهم کتاب خود را با پاسخ به سؤالاتی آغاز کنم که معمولاً مراجعینم بطور روزمره از من میپرسند. اینطور بنظرم رسید که اگر شما در ابتدای امر جواب سؤالات خود را دریافت کنید با آمادگی بیشتری به مطالب اصلی کتاب توجه خواهید کرد. پس بسراغ مهمترین سؤالاتی میرویم که دائماً از من پرسیده میشود.

پیشگویی چیست؟

پیشگویی همانطور که از نامش پیداست، به معنی از پیش خبر دادن است. به زبان ساده پیشگویی یعنی مطلع بودن و خبر دادن از امری است که به زعم و باور ما هنوز اتفاق نیافتاده است و پیشگو کسی است که میتواند از آینده بما خبر بدهد. (خبر دادن از گذشته را **پسگویی** میگوییم).

مثلاً، اگر کسی بتواند از فردا بما خبر بدهد و اطلاعات او درست باشد و امور برای ما همانگونه که او گفته بود رخ بدهد، در اینصورت میگوییم: این شخص پیشگویی کرده است.

اینکار صدها هزارسال است توسط افرادی که به آنها "**پیشگو**" گفته میشود انجام میگردد و البته از نظر بعضی از ادیان و پیشوایان مذهبی نوعی جرم بحساب آمده و حتی مجازات مرگ را برای کسانی که به اینکار اشتغال دارند در نظر میگیرند.

البته من به هیچوجه قصد ندارم در باره جنبه مذهبی این قضیه وارد شده و حرفی بزنم و اظهار نظر کنم. زیرا بنده نه روحانی هستم و نه تحصیلات مذهبی داشته و نه اصلاً صلاحیت اظهار نظر کردن در این زمینه را دارم، بلکه من فقط از جنبه علمی به این موضوع پرداخته و چون از این نقطه نظر بدلیل سالها عمری که در این زمینه صرف کرده ام تخصص داشته و به دانسته های خود نیز ایمان دارم، برای خودم این حق را قائلم که از این دیدگاه حقیقت این علم را اثبات کرده و به درستی آن شهادت بدهم و تنها از این نقطه نظر است که آماده ام با هر کس که نظر مخالف دارد به بحث و گفتگو بنشینم.

آیا پیشگویی حقیقت دارد؟

پیشگویی یک علم است و مانند هر علم دیگری اصول و ساختار مشخصی دارد. (البته این مطلب فقط در (مکتب تایما) اثبات گردیده و این تعریف در هیچ جای دیگری ارائه نشده است). بنابراین جواب من به این سؤال مثبت است. پیشگویی آینده و خبر دادن از گذشته و حال، همگی واقعیت داشته و بر مبنای اصول علمی صورت میگیرد. (البته در همینجا باید این نکته مهم را متذکر شوم که ما در باره علم و دانش حقیقی صحبت میکنیم و این موضوع تفاوت اساسی با اعمال دعا نویسان و رمالان و فال بینان بازاری و کلاهبردارانی دارد که با استفاده از این الفاظ از سادگی مردم سوء استفاده کرده و بدینوسیله ضربه شدیدی هم به حیثیت این علوم بسیار گرانمایه وارد میکنند). همانگونه که در قبل اشاره شد، پیشگویی آینده امکان داشته و اینکار با روشهای گوناگونی صورت میگیرد که بعداً به تمامی آنها خواهیم پرداخت.

آیا پیشگوئیه‌ها همه به واقعیت می‌پیوندند؟

من قبلاً توضیح دادم که پیشگویی یک علم است، اما این بدان معنی نیست که یک پیشگو هرگز اشتباه نمی‌کند. میتوان پیشگویی را با پزشکی مقایسه کرد. همانطور که دو پزشک که از یک دانشگاه فارغ التحصیل شده اند در یک حدّ نیستند، بهمان نسبت هم ممکن است یک پیشگو اکثر خبرهایش درست درآید مانند، نوستر آداموس که پیشگوئیه‌هایش معروف است. همچنین ممکن است که برای سالهای طولانی هیچ توفیقی در این امر بدست نیاورد و این دلایلی دارد که در همین کتاب به تفصیل به آنها پرداخته ایم.

آیا پیشگویی قابل آموزش است؟

علم و فنّ پیشگویی مانند هر هنر و علم دیگری قابل آموزش است. اما با این تفاوت که پیچیدگیهای بیشتری داشته و زمان طولانی تر و یک مقدار شرایط جسمی و عصبی خاصی را میطلبد.

آیا همه کس میتوانند پیشگو شوند؟

این سؤال در اساس با مشکل مواجه است و مشکل آن در این است که درست طرح نشده است زیرا این مانند آن میماند که ما سؤال کنیم آیا همه کس میتوانند پزشک شوند؟ مسلماً جواب منفی خواهد بود. البته میشود پاسخ دیگری هم به این سوال داد و آن این است که: در ذات هر انسانی این توانایی وجود دارد اما اینکه چرا همه نمیتوانند پیشگو شوند باید بگویم دلایل زیادی دارد که به مهمترین آنها در اینجا اشاره میکنیم.

دلیل اول : همه مردم علاقه ای به این مباحث ندارند که به این سمت کشیده شوند.

دلیل دوم : برای یادگیری هر چیزی بالآخره یک سرسوزنی استعداد لازم است و همه این استعداد را ندارند.

دلیل سوم : طالع شخص ممکن است اجازه پیشرفت در این علم را به وی ندهد.

گذشته از ۳ دلیلی که ذکر شد، دلایل دیگری نیز وجود دارد. اما مهمترین دلیل به علم حروف یا جفر بر میگردد. ما در علم جفر اعتقاد داریم که نام و نام خانوادگی هر شخصی تعیین کننده نصیب وی از چیزها در زندگی میباشد. بهمین دلیل بعضیها نمیتوانند علوم غریبه را فرا بگیرند فقط به این دلیل که اسم آنها مانع است. ما این موضوع را در دوره آموزش استخراج اسمها بطور کامل مطرح کرده ایم.

چقدر طول فواید کشید تا فردی پیشگویی را فرا بگیرد؟

هرگز نمیشود بطور قطع و یقین گفت که آموزش این علم برای هر کس چه مدت وقت میبرد. اما به مصداق ضرب المثل قدیمی که میگوید: هرچقدر پول بیشتر بدهی آش بیشتر میخوری، درباره آموزش این علم هم باید گفت: هر چقدر که انسان روی این مسئله وقت و امکانات بیشتری بگذارد نتیجه بهتری خواهد گرفت.

آیا فراگیری این علم به سواد فاص و امکانات فاصی نیاز دارد؟

مسئلاً هر چقدر که سواد فرد بیشتر باشد بهتر نتیجه میگیرد. اما مهمتر از سواد شناخت فرد از این علم و ساختار هستی و اعتقاد او میباشد. مسلماناً برای فهم شناخت حقیقی فرد باید آنقدر باهوش باشد که بتواند مطلب را بفهمد و هضم کند در غیر اینصورت پس باید مَرید باشد. یعنی اینکه اطاعت محض از استاد داشته باشد تا بتواند در این امر بجایی برسد.

آیا فراگیری این علم فطری هم دارد؟

فراگیری این علم هیچ خطری برای کسی ندارد. اما بزرگترین خطر (اگر بشود نامش را خطر گذاشت) آن برای خود طالب علم است. به اینصورت که فرد اگر در این علم خوب پیشرفت کند و به موازات پیشرفت علمی خودسازی نکند، ممکن است در دراز مدت دچار خود بینی و تکبر و ریا شده و فکر کند که فرد قدرتمندی است و بهمین دلیل دست به اعمال بچه گانه بزند.

آیا پیشگویی عملی شیطانی است؟

پیشگویی یک علم است و منشأ آن نیز علم الهی است. اما مانند هر علم دیگری اگر فرد خود سازی نکند ممکن است فاسد شود. پس اگر عامل علمی کار خطایی بکند بخاطر خطای وی آن علم را تخطئه نمیکنند. کما اینکه اگر پزشکی مرتکب عمل قبیحی گردد بخاطر کار آن پزشک، علم پزشکی را مقصر قلمداد نمیکنند.

آیا پیشگویی با مذهب در تضاد است؟

من همانگونه که قبلاً گفتم به هیچ وجه از نقطه نظر مذهبی وارد این بحث نمیشوم، اما چون اکثر کسانی که برای فراگیری علوم غریبه به بنده مراجعه میکنند سؤالاتی نظیر این را مطرح میسازند، بنابر این در جواب این دوستان و همه افرادی که مایلند از نقطه نظر مذهبی حلالیت یا محرمیت اینکار را بدانند آن چیزی را که خود بدست آورده و به آن باور دارم و در باره درستی آن از بعضی از علماء هم پرسش نموده و مطمئن شده ام عرض میکنم.

باور بنده این است که: اگر کسی ادعا بکند که پیشگو خود دارای قدرتی است که میتواند این اعمال را انجام دهد و اعتقادش نسبت به این مسئله آنگونه باشد که نعوذ بالله منجر به انکار خداوند گردد، مسلماً آن فرد کافر شده و کفر میگوید. اما اگر ما باور داشته باشیم که این جهان خالق دارد و تمام ذرات هستی به اراده او هستند و اگر هم کسی میتواند از امری خبر بدهد یا دعایش در حق کسی اجابت میشود به اذن او میباشد و آن فرد از خود قدرتی ندارد، این عین دیانت است.

این نظر حقیر است و هرکسی میتواند حرمت این مسئله را از مرجع تقلید خود سؤال نماید. اما در کمال فروتنی عرض میکنم که بنده برای اثبات درستی این علم ادله محکمی دارم که مهمترین آنها را در همین کتاب برای شما بازگو خواهم کرد و به یاری خدا از آنجایی که به دانسته های خود معتقدم و به درستی آنها ایمان دارم بنابراین هر جا که لازم باشد حاضر به مطرح نمودن و اثبات آن خواهم بود.

آیا پیشگویی همان غیبگویی است ؟

جواب این سؤال منفی است و اگر کسی ادعای ارتباط با عالم غیب را بنماید (منظور با خبر بودن از غیبی که اختصاص به خداوند متعال دارد) فقط در هلاکت خود کوشیده است، زیرا که از غیب مطلق فقط خداوند بندگان صالح (پیامبران و ائمه معصومین علیهم السلام) که به اراده خداوند از آن باخبر گشته آگاهند. حال ممکن است که شما از خود پرسید، اگر ما میگوییم پیشگو از غیب خبر ندارد پس چگونه پیشگویی میکند، و اخبار و اطلاعات خود را از چه عالمی بدست می آورد؟

(دوستان خواهش میکنم به مطالبی که از این پس می آید دقت بیشتری بنمایید، زیرا که در همین سخن درستی علم پیشگویی را اثبات کرده ایم).

پاسخ سؤال این است که : خداوند متعال جهان هستی را بگونه ای آفریده که تمام اجزای آن به یکدیگر مربوطند، یعنی اگر موفق به شناخت جزئی از اجزاء آن گردیم میتوانیم بقیه اجزاء را هم بشناسیم.

توضیح ساده تر اینکه، یکسری اتفاقات را براحتی میشود پیشگویی کرد بدون اینکه لازم باشد برای پیشگویی آنها شخص به عوالم روحانی متصل گردد. چرا و چطور اینکار ممکن است ؟

در جواب باید بگوییم: بسیاری از اعمالی که دور و بر ما صورت میگیرد بر قوانین ریاضی استوار بوده و فرمولی میباشد و با فهم آن فرمول میشود اعمالی را که در آینده قرار است صورت بگیرد پیشگویی کرد. مثلاً علم نجوم دقیقاً بر این پایه استوار است. خورشید و ماه و بقیه سیارات منظومه شمسی در مدارات مشخص و با سرعت ثابتی حرکت میکنند بنابراین وقتی دو جسم در مدار خاصی و با سرعت مشخصی در حرکتند، از آنجایی که سرعت ثابت است، مدار ثابت است و هیچ حرکت خارج از قاعده ای هم انجام نمیگیرد پس، میتوان براحتی پیش بینی کرد که مثلاً یک ساعت دیگر یکی از این اجسام در کجا خواهد بود.

بر این اساس است که خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی پیشگویی میشود در صورتیکه در یک برهه ای از تاریخ ما اگر منجمی ادعا میکرد که میتواند گرفتگی ماه یا خورشید را پیشگویی کند او را به اتهام کهنات و جادوگری و ساحری به دار میکشیدند. آه از اینهمه جهلی که در طول تاریخ چه بزرگمردان و زنانی را از بشریت گرفت. (سرنوشت ژاندارک ناجی فرانسه را بخوانید).

ما در مکتب علمی خود **تایما** اعتقاد داریم که اگر حرکتی بطور دائم صورت بگیرد، بمرور تبدیل به قانون میشود و قانون هم تبدیل به علم میگردد. بسیاری از کشاورزان میهن ما بهتر از سازمان هواشناسی میتوانند پیشگویی کنند که چه موقعی باران خواهد بارید. اینها به تجربه در یافته اند که هر نوع وضعیت جوی بدنبال خود چه هوایی را خواهد آورد. مثلاً در هواشناسی ابرهای باران را کاملاً شناخته شده اند. بر همین اساس بسیاری از پیشگوییها را میتوان بکمک قوانین طبیعی انجام داد.

تا اینجا ملاحظه فرمودید که این اعمال در گذشته های دور جزء علم غیب بحساب می آمد. اما حالا هر بچه مدرسه ای میداند که خورشید گرفتگی چیست و چگونه بوقوع میبندد. در پیشگویی هم منظور ما دقیقاً اثبات همین مطلب است. یعنی بسیاری از اموری هم که ما در حال حاضر آنها را جزو غیب مطلق بحساب می آوریم چه بسا در آینده جزو دروس دبستانی قرار گیرد. پس نباید در باره چیزی اگر اطلاع کاملی نداریم بمحض آنکه فردی اعلام میکند که در باره آن میتواند بما اطلاعاتی بدهد، فوراً علم مخالفت را برافراشته کرده و به او بتازیم. نتیجه چنین اعمالی خوشایند نخواهد بود. تجربه قرون وسطی برای تمام بشریت کافی است.

اسلام بعنوان یک دین بینظیر هرگز بدون دلیل چیزی را تأیید یا رد نکرده است. بعضی ها میگویند که چون در قرآن آمده که: "فقط خداست که از غیب آگاه است"، پس اگر کسی ادعای پیشگویی کند این به معنای این است که خود را با خدا مقایسه کرده است. در جواب باید بگویم که خداوند متعال در قرآن مجید خود را عالم به غیب دانسته و ما هم به این موضوع ایمان داریم. اما کشف بزرگ من این است که منظور خدا از غیب در قرآن دقیقاً دو نوع غیب است.

نوع اول، همان غیبی است که تا آخر دنیا بغیر از خدا کسی از آن باخبر نخواهد شد.

نوع دوم، و اما نوع دوم غیبی است که در یک مقطع زمانی خاص مثلاً در آن دورانی که قرآن کریم بر پیامبر عظیم الشان نازل میشد و اکثریت مردم فاقد سواد بوده و علوم هنوز به آن صورتی که در دوران ما مشاهده میشود پیشرفتی نداشته مورد نظر بوده و بعدها و در طی زمان و با پیشرفت علمی بشر دیگر

آنها غیب به حساب نمی آمدند. مثلاً در قرآن آمده است که: فقط خدا میداند جنین در شکم مادر پسر یا دختر است. در صورتیکه در حال حاضر هر کسی میتواند با استفاده از دستگاه سونوگرافی بچه خود را قبل از تولد در شکم همسر ببیند و از جنسیت او با خبر شود. حال اگر پزشکی اعلام کند که میتواند از جنسیت بچه خبر بدهد باید بگوییم او کاهن است و باید کشته شود؟ توجه داشته باشید، این همان غیب دوم است که در آن زمان برای مردم آن دوران غیب بحساب می آمده است.

من مطمئنم در آینده علم آنقدر پیشرفت خواهد کرد که حتی تعیین نوع فرزندان و زشت و زیبا بودن آنها هم با علم پزشکی ممکن خواهد بود. در حال حاضر با استفاده از سلولهای بنیادی حیوانات را شبیه سازی میکنند چه بسا که در آینده بتوانند در باره انسانها همین کار را بکنند.

اگر چنین اتفاقی بیافتد آنگاه باید در بسیاری از سخنان خود تجدید نظر بکنیم. فردا خیلی زود از راه میرسد و ممکن است روزی برسد که حتی مرگ را هم متوقف کنیم. روزی خواهد رسید که سفر به آینده و گذشته یک کار معمولی بحساب آمده و دیگر فقط در فیلمهای تخیلی شاهد آن نخواهیم بود.

من فکر میکنم پاسخ به سؤالات در همین حد کافی باشد. هرچند سؤالات هرگز تمامی ندارد و بنده به اندیشه خودم پرسشهایی را که فکر میکردم از همه مهمتر است مطرح کرده و پاسخ دادم. حال اگر شما سؤالی داشته باشید که در اینجا مطرح نشده میتوانید بوسیله تلفن آن را طرح کنید تا جواب لازم داده شود.

حال وارد مطالب اصلی کتاب می‌شویم. اما قبل از اینکه من این بخش را آغاز کنم لازم میدانم نکته‌ای را تذکر دهم و آن این است که، مطالبی که پس از این به نظر شما میرسد آنقدر عجیب است که باور آن ممکن است برای شما کمی یا بطور کامل سخت باشد؛ بهمین دلیل شاید لازم باشد شما یک مطلب را چندین بار بخوانید تا جان‌مطلب‌رادر یابید. از آن گذشته شاید لازم باشد، شما برای درک بهتر از ساختار جهان هستی و شناخت آن، کتاب "هستی‌شناسی از دیدگاه مکتب تایما" نوشته بنده را مطالعه فرمایید زیرا آن کتاب بطور خاص به شناخت واقعی از جهان هستی اختصاص دارد.

ما از لحظه‌ای که به دنیا آمده ایم پدر و مادر و جامعه و معلمان ما مرتباً به ما گفته‌اند که نمی‌شود از آینده خبر داد؛ حال وقتی کسی پیدا بشود و به ما بگوید که این کار نه تنها امکان‌پذیر است؛ بلکه جهان‌طوری ساخته شده که این عمل جزئی از ذات و ساختار آن است؛ حق داریم که باور نکنیم. بهر حال چه باور بکنید و چه نکنید پیشگویی آینده نه تنها امکان‌پذیر است، بلکه روش‌های مطمئنی هم برای این کار وجود دارند که در طی این دوره ما شما را بطور علمی و عملی با آنها آشنا خواهیم کرد.

برای موفقیت در این کار فقط باید دانسته‌های قبلی و باورهای را که با این موضوع در تضادند کنار گذاشته و با ذهنی بی طرف مسئله را دنبال کنید؛ در این صورت حتماً به اندازه خود موفق خواهید شد.

حال به مطلب بعدی توجه فرمائید.

تاریخچه و پیدایش پیشگویی

مانند تمام شاخه های علوم غریبه هیچکس از تاریخ پیدایش دقیق این علم و قومی که برای اولین بار موفق به شناخت و فهم و درک و بکار گیری آن شدند مطلع نبوده و تنها میدانیم که از ابتدای خلقت بشر افرادی بودند که بعنوان ساحر و پیشگو در میان ملل و قبایل فعالیت داشته و غالباً اینها پزشک قبیله نیز بحساب آمده و از احترام و حرمت والایی هم برخوردار بودند .

تاریخ به ما میگوید که پیشگویی بین یونانیان ، مصریان ، رومیها، اسپارتهای، ایرانیان و بخصوص قبایل سرخپوستان امریکایی، بومیان آفریقا و استرالیا و خلاصه در تمام نقاط دنیا رواج داشته و دارد. در قدیم پیشگویان به روشهای مختلفی اقدام به اینکار میکردند. گروهی با استخوان مردگان پیشگویی میکردند و عده ای نیز بوسیله حرکت ابرها و پرندگان در آسمان مبادرت به اینکار مینمودند. بعضی از جادوگران با نگاه کردن به ظروف پراز آب زلال یا شعله های آتش و خلاصه هر گروهی با روشهایی که از اجدادشان به آنها ارث رسیده بود پیشگویی میکردند.

اسپارتهای بوسیله دختران جوانی که به آنها (اوراکل) میگفتند پیشگویی میکردند. اوراکلها از بین زیباترین دختران انتخاب شده و تحت تعلیم کاهنان قرار میگرفتند. همچنین در بین اسپارتهای راهبانی بودند که با نگاه کردن به امعاء و احشاء گوسفندان از آینده خبر میدادند.

در این کتاب ما به مهمترین و رایجترین روشها که در حال حاضر در دنیا مورد استفاده قرار میگیرد و ما نیز در دوره های آموزشی خود آنها را تدریس میکنیم خواهیم پرداخت و در باره هر کدام به اندازه کافی توضیح خواهیم داد. آنگاه بعد از مطالعه کتاب اگر هم مایل به شرکت در دوره های آموزشی ما بودید با ما تماس بگیرید تا ترتیب شرکت شما در دوره مربوطه داده شود.

قبل از اینکه به معرفی روشها پردازیم لازم میدانیم که شما را با صحت و سقم این علم بیشتر و بیشتر آشنا کنیم تا با آگاهی بیشتری بتوانید کار را دنبال کنید.

مقدمه ای بر مطالب اصلی

مسئله نخستین سؤالی که ممکن است به ذهن هر کسی که برای اولین بار نام این علم به گوش او می‌رسد مطرح شود این خواهد بود که ، چگونه ممکن است از اتفاقی که هنوز رخ نداده باخبر شد؟ در حقیقت اکثر ما اینگونه فکر میکنیم. زیرا به چشم خود میبینیم که فردا هنوز نیامده و گذشته نیز گذشته است. اطلاع داشتن از امری زمانی برای ما قابل قبول است که بدانیم فردی که ادعای باخبر بودن از آن را دارد به هنگام زمان روی داد آن واقعه یا رخداد آنجا حاضر بوده و مدارک محکمی برای اثبات حرف و ادعای خود داشته باشد.

اجازه بدهید مطلب را ساده تر بیان کنم . مثلاً فرض کنید به مسافرتی خارج از کشور رفته و با شخصی برای اولین بار روبرو میشوید. حال اگر آن شخص که اصلاً شما را تا به آن روز ندیده و هیچ اطلاعی از نام و نشان و محل و سال تولد شما نداشته و اصولاً فردی خارجی است، یکبارہ بشما بگوید که میتواند تاریخ دقیق تولد و سال و محل آن و بسیاری از مشخصات سجلی شما را برایتان بازگو کند چه حالی بشما دست خواهد داد؟ و یا اگر همان فرد بشما بگوید که هواپیمای حامل شما فردا سقوط خواهد کرد و بهتر است که شما سوار آن هواپیما نشوید و شما هم اطاعت کرده و در کمال تعجب فردای آن روز در اخبار خبر سقوط آن هواپیما را بشنوید چه میکنید؟

قاعدتاً ما خواهیم گفت اینکار امکان ندارد. زیرا آن شخص باید یا باید به اطلاعات سجلی ما دست داشته باشد که بتواند ما اطلاعات دقیقی در این زمینه بدهد، یا اینکه از افراد خانواده ما در این مورد چیزی شنیده باشد و خلاصه اینکه باید به این اطلاعات دست یافته باشد که بتواند چنین کاری بکند.

در باره سقوط هواپیما هم ممکن نیست کسی از اتفاقی که هنوز رخ نداده خبر بدهد. چرا؟ چون معتقدیم، وقتی هنوز فردا نشده و آن هواپیما پرواز نکرده پس هیچکس نمیتواند در باره آن حرفی بزند.

این باور ماست. حال به این سؤال پاسخ دهید، اطلاعات فردی شما کجاست تا کسی به آن دسترسی نداشته باشد نمیتواند از گذشته شما خبر دهد؟ حتماً میگویید در شناسنامه من، بله آن مدرکی است که اثبات میکند شما فرزند چه کسی بوده و در چه سال و ماه و روز و در کجا بدنیا آمده اید. اما جواب درست تر این است که مغز شما و در مرحله بعد فضای لایتنهای مکانهای دیگری اند که اطلاعات در آنجا ذخیره شده است. پس اگر فردی بتواند به یکی از این مکانها دست یابد میتواند به مشخصات فردی شما هم دسترسی داشته و شما را با سخنان خود متعجب کند. در ادامه خواهیم دید که آیا اینکار امکان پذیر است یا نه؟ ما برای اینکه بتوانیم در این زمینه به پاسخ صحیحی برسیم باید بدانیم که ساختار جهان به چه شکل است. در غیر اینصورت هرگز موفق نمیشویم به مکانیزم عمل در این علم پی ببریم و اولین قدم برای شناخت ساختار جهان آشنا شدن با مفهوم زمان است.

آشنایی با مفهوم زمان

الف ، زمان چیست ؟ آیا زمان اصلاً وجود واقعی دارد یا اینکه در خیال ما واقعیت می

یابد؟ آیا زمان را ما بوجود می آوریم یا اینکه آن امری ازلی است؟

راستی کلمه زمان برای شما چه معنایی دارد؟ کلماتی مانند، دیروز و امروز و فردا چه

معنایی دارند ؟

ما بحول و قوه الهی در این بخش به تمام سؤالات مربوط به زمان جواب میدهم. ابتدا به این سؤال

مپردازیم که زمان چیست؟ باید بدانید که این سؤال از جمله پرسشهایی است که برای هزاران سال بین

علماء و فیلسوفان و دانشمندان در حوزه های مختلف علمی برسر آن بحث و جدل دائمی صورت

گرفته و هنوز به جواب مشخصی نرسیده اند. در این میان هر گروهی برداشت خود را عین حقیقت دانسته

و یافته های دیگران را خطا میدانند. حال شما فکر میکنید حقیقت چیست؟

ما برای اولین بار در جهان و در مکتب علمی خود **تایما** ، حقیقت وجود یا عدم وجود زمان را فاش

کرده و درستی آن را به جهانیان اثبات خواهیم کرد. انشاء الله .

در وهله اول باید به این مطلب توجه داشته باشید که زمان هیچگاه نمیتواند بطور مطلق و به یک معنی

خاص و روشنی مورد قبول و یا استفاده همگان قرار گیرد. این یعنی آنکه همه مردم در باره مفهوم زمان

تصویر روشنی نداشته و بغیر آن حتی احساس خود ما هم از زمان و گذشت آن با دیگران مساوی نیست.

مثلاً وقتی که ما در انتظار کسی هستیم احساس میکنیم که زمان بسیار کند میگذرد. و شاعر در این

زمینه چه خوش میگوید: **شب عاشقان بیدل چه شبی دراز باشد**. در حالیکه در هنگام خوشی

احساسی بر عکس این داریم. شاید شما هم شنیده باشید که میگویند: **عمر فوشی ها کوتاه است**.

حال به مفهوم زمان برگردیم. معنی کلمه زمان یا حداقل کلمه ای که بتواند مفهوم آن را بما برساند،

وقت است. برای اغلب ما زمان چیزی فراتر از حرکت عقربه های ساعت و طلوع و غروب خورشید

نیست. ما یکدور حرکت زمین به دور خورشید را یک شبانه روز بحساب آورده و آن را به ۲۴ ساعت

تقسیم میکنیم و با این ساعتها گذشت زمان را میسنجیم.

درفرنگ زمینی زمان **گذشته** به اوقاتی گفته میشود که از نظر ساعتی سپری شده و ما آن را رد کرده

و پشت سر گذاشته ایم. **حال** نیز به اکنون و این لحظه و ساعتی گفته میشود که ما در آن قرار داریم.

آینده نیز وقتی است که هنوز از راه نرسیده است و قاعدتاً ما از آن بیخبریم.

ما بر روی کره زمین زندگی میکنیم و درک مفهوم زمان بدون وجود شب و روز برای ما غیر ممکن

است. همچنین مبنای محاسبه ما برای سنجش زمان وجود خورشید و ماه است. اگر ما در منظومه

خورشیدی دیگری زندگی میکردیم و طول شب و روز کمتر یا بیشتر از این مقدار بود، مسلماً زمان

نیز برای ما معنی دیگری می یافت.

بطور کلی برداشت ما از زمان به شناخت ما از هستی برمیگردد و اینکه ما در دنیای مادی زندگی میکنیم. از نظر ما گذشته و حال و آینده حقیقتاً وجود دارند زیرا ما در آن زندگی میکنیم. اما واقعیت این است که، (به این تعریف خوب دقت کنید، زیرا فقط در مکتب تایما است که چنین چیزی ادعا و ثابت میشود) نه گذشته ای وجود دارد و نه آینده ای، بلکه این ما هستیم که بواسطه حیات مادی و زندگی در لایه بیرونی هستی چنین احساسی داریم. در حقیقت همه چیز در زمان حال اتفاق می افتد، اما ما بدلیل اینکه به لایه های درونی هستی دسترسی نداریم قادر به احساس و درک این مطلب نیستیم. این موضوع هرچقدر هم که برای شما عجیب و غیر قابل باور باشد واقعی بوده و قابل اثبات است و ما در قسمت بعدی به یاری خدا آن را اثبات خواهیم کرد.

زمان هیچگاه نمیتواند مطلق باشد، بلکه آن امری نسبی است و به چیزهای مختلفی وابستگی دارد. ما بر روی کره زمین گذشت زمان را اینگونه احساس میکنیم، در حالیکه ساکنان کرات دیگر آن را به گونه دیگری احساس و درک میکنند.

در قرآن مجید نیز این مسئله مورد تأیید قرار گرفته و در آیه ای بوضوح به فرق میان سالهای ما و سالهای جهان دیگر اشاره شده است. در بعضی از دنیاها یکروز آنها معادل با هزار سال ما میباشد و همچنین در دنیای دیگری یک روز آنها برابر با ۵۰۰۰۰ سال ما است.

در این دنیا این زمان است که بر ما حاکم است و بهمین دلیل است که ما پیر میشویم. اگر ما حاکم بر زمان بودیم هرگز نه پیر میشدیم و نه میمردیم. بهمین دلیل به امام دوازدهم ما شیعیان حضرت مهدی (عج) امام زمان میگویند، زیرا ایشان حاکم بر زمان است و بهمین دلیل میتوانند هزاران سال در یک شکل و قیافه بمانند و هرگز پیر و ضعیف نگردند.

در صفحات آینده شناخت حقیقی از هستی را مورد بحث قرار میدهیم و در آنجا درستی این ادعا را بار دیگر و از جنبه دیگری اثبات خواهیم کرد.

ساختار حقیقی جهان هستی و ارتباط آن با پیشگویی

شناخت ما از جهان هستی بسیار سطحی بوده و ناقص است. حقیقت آن است که ما به دلیل دارا بودن این جسم و حواس مادی فقط قادر به درک جزء کوچکی از حقایق جهان هستی هستیم. زیرا که ما در جسم مادی و کالبد خود محبوسیم و وسیله ارتباطی ما با جهان خارج همان حواس پنجگانه مایعنی، حس بینایی، چشایی، بویایی، لامسه و شنوایی میباشد و این حواس نیز محدود آفریده شده اند. یعنی اینکه اگر ما چیزی را میبینیم فقط به این علت است که نور به آن میتابد و بازتاب آن به چشم ما میرسد و در انتها ما موفق به دیدن آن میشویم. حال اگر چیزی اعم از شیئی یا جانور و حیوانی در این دنیا موجود باشد که بتواند نور را از خود عبور بدهد، ما هرگز موفق به دیدن آن نخواهیم شد. (فیلم مرد نامرئی را بیاد آورید).

ما بوسیله مغز خود فکر کرده و می اندیشیم و از آنجاییکه اندیشیدن کاری آگاهانه است ، پس حتی فکر کردن ما هم تحت تأثیر این جهان قرار دارد. یعنی اینکه ما بوسیله آگاهی خود فقط میتوانیم چیزهایی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم که قابل درک به وسیله این قسمت از شعور باشد.

این موضوع خیلی مفصلتر در دوره آموزش هیپنوتیزم و قدرتهای درونی انسان مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و اگر شما بخواهید در باره آن اطلاعات بیشتری کسب کنید باید به کتابهای آموزشی آن دوره ها مراجعه کنید. ما در این کتاب بحث شناخت هستی را تا آنجایی که به موضوع این دوره مربوط میشود دنبال خواهیم کرد.

انسان دارای سه نوع سیستم درک اندیشه و شعور میباشد. این سه قسمت عبارتند از:

خود آگاهی - نیمه آگاهی - ناخود آگاهی

هر کدام از این آگاهی ها میتوانند بخش مشخصی از وجود ما یا جهان هستی را درک کنند. مثلاً اگر ما دارای خود آگاهی نبودیم، آنگاه با حیوانات هیچ تفاوتی نداشتیم. یعنی همانطور که هیچ حیوانی در این دنیا از وجود خود آگاه نیست (این تئوری برای اولین بار توسط ما و در مکتب عاوم درونی **تایما** مطرح شده است و فهم کامل آن فقط در حین گذراندن دوره های آموزش درونی میسر است). و هر کاری که مثلاً یک گربه انجام میدهد بصورت ناخود آگاهی بوده و توسط سیستم درونی آن حیوان صورت میگیرد ما هم مانند حیوانات بصورت ناخود آگاهی زندگی میکردیم. توجه به وضعیت رفتاری و روانی مجانبین (دیوانه ها) این تئوری را بطور کامل اثبات میکند.

ما بوسیله دستگاه عقلی خود فقط قادر به درک مسائلی هستیم که در منطقه خود آگاهی ما وارد و قابل درک باشد. مثلاً در صورت عادی هیچ انسانی هرگز اسم خود را فراموش نمی‌کند؛ زیرا آن، در منطقه خود آگاهی قرار داشته و اطلاعاتی نظیر نام و نشان و آدرس محل کار و مطالبی اینچنینی که برای ادامه زندگی ما ضروری می‌باشند در این قسمت قرار داشته و چون بدون آنها ما قادر به ادامه حیات نیستیم، بهمین دلیل هیچگاه این اطلاعات را فراموش نمی‌کنیم.

مسائلی که بوسیله سیستم خود آگاهی قادر به درک نباشند از طرف ما هم فهمیده نمی‌شوند. به زبان ساده تر خود آگاهی ما بر هر چیزی که تسلط داشته باشد ما میتوانیم آن را بفهمیم. انسان میتواند تمام پدیده های مادی جهان هستی را بفهمد زیرا که مغزش و خود آگاهیش بر همه آنها تسلط دارد. اما ما در صورت معمول بهیچ وجه بوسیله حواس و قدرت خود آگاهی قادر به فهم مسائلی که در ناخود آگاهی رخ میدهد و یا مربوط به جهان درون است نمی‌شویم، چون هیچ تسلطی به آنها نداریم. یک مثال در باره بدن انسان فهم این موضوع را آسانتر می‌سازد.

بدن ما بطور کامل این سه نوع آگاهی را به نمایش میگذارد. اگر ما در بدن خود این سه نوع آگاهی را به عنوان قدرت و توانایی کنترل بحساب آوریم، پس اموری که بصورت آگاهانه قادر به انجام آنها هستیم، معرف اعمالی است که در محدوده خود آگاهی ما قرار دارد. بعنوان مثال ما میتوانیم کاری مانند نوشتن را به میل خود انجام دهیم. همچنین بسیاری از اعمال دیگر را که آگاهانه میتوانیم انجام بدهیم یا ندهیم. ما برای مسافرت میتوانیم سوار اتومبیل یا قطار و یا هواپیما شویم. اینها اعمالی است که ما آگاهانه میتوانیم در مورد آنها بیاندیشیم و هر کدام را که خواستیم انتخاب کنیم.

اما در بدن ما اعمالی صورت میگیرد که ما تا حدی بر آنها تسلط داریم و میتوانیم آگاهانه آنها را بصورت محدود کنترل کنیم، مثلاً نفس کشیدن جزو این اعمال است. ما میتوانیم برای چند دقیقه تنفس خود را کنترل کنیم اما، هرگز نمیتوانیم برای همیشه نفس نکشیم. اینکاری نیست که ما بتوانیم بصورت آگاهانه آن را برای همیشه ترک کنیم. بلکه برای یک زمان کوتاه میتوانیم بر آن کنترل داشته باشیم.

و اما مهمترین قسمت داستان این است که، اعمالی در بدن ما صورت میگیرد که ما هرگز بصورت معمول نمیتوانیم حتی برای لحظات محدودی هم که شده بر آنها تسلط و کنترل داشته باشیم. زیرا این اعمال کاملاً تحت تسلط و در کنترل ناخودآگاهی ما بوده و ما به صورت آگاهانه هیچ قدرتی برای کنترل و تحت نفوذ گرفتن آنها نداریم.

مثلاً طپش قلب، جذب و هضم غذا، گردش خون در بدن و بسیاری از اعمال حیاتی ما به شکل کاملاً ناخودآگاهانه صورت میگیرد. اگر این اعمال تحت نفوذ خودآگاهی ما بودند ما میتوانستیم به قلبمان بصورت خودآگاهانه دستور بدهیم تا تندتر یا کندتر بپزد. (البته این به صورت معمول است و گرنه هر انسانی میتواند با طی دوره های خاص و کنترل بر ذهن ناخودآگاه خویش حتی اعمال حیاتی بدن خود را تحت کنترل خود بگیرد. مانند مرتاضان هندی).

وقتی عملی تحت نفوذ سیستم ناخودآگاهی صورت میگیرد، یعنی اینکه ما نمیتوانیم آگاهانه در انجام آن کار دخالت کنیم و خواستن یا نخواستن ما هم هیچ نقشی در نحوه انجام آن عمل ندارد. تمام بیماریهای روانی و اعتیاد فقط به این دلیل بصورت آگاهانه قادر به درمان نیستند که شخص نمیتواند آگاهانه بر آنها کنترل داشته باشد. این اعمال وارد ناخودآگاهی فرد شده و تحت نفوذ سیستم تکرار درونی دائماً بدون خواست فرد تکرار میشوند، حتی اگر شخص از انجام اینکارها کراهت هم داشته باشد (مثل بیماری وسواس) باز هم نمیتواند بصورت آگاهانه آنها را کنار بگذارد یا در نحوه انجام آنها دخالتی داشته باشد.

درباره فهم مسائلی هم که بنحوی به اسرار عالم مربوط میشود فقط آن قسمتی را میتوانیم بوسیله حواس و خودآگاهی خود فهمیده و مورد تجزیه تحلیل قرار بدهیم که ساختار مادی داشته و توسط ذهن خود آگاه ما پذیرفته شود. بقیه مسائل را نمیتوانیم درک کنیم بعلت اینکه آنها از محدوده خودآگاهی و حواس ما خارجند. بهمین دلیل است که ما نمیتوانیم وجود خدا را با خودآگاهی خود درک کنیم، زیرا خداوند متعال به تمام جهان هستی احاطه داشته و ما نمیتوانیم بعنوان یک جزء بر کل احاطه یابیم. اما بهر حال از آنجاییکه آگاهی های سه گانه ما به یکدیگر مربوطند و جدای از هم نیستند، ما هر از گاهی بارقه هایی را از جهان معنوی دریافت میکنیم و همین دریافتهاست که انسان را به جستجو در باره فهم اسرار جهان هستی وامیدارد چه اگر آگاهی های ما به یکدیگر مربوط نبودند، ما هیچگاه از وجود چیزی خارج از حیطه خودآگاهی خود باخبر نمیشدیم.

جهان هستی دارای اسرار بسیاری است که با خود آگاهی ما قابل درک نیست، اما بدلیل وجود همان ارتباطی که در قبل عرض گردید، ما میتوانیم در باره این اسرار بیاندیشیم و اگر تحت تعلیم قرار بگیریم حتی امکان این هست که به ناخود آگاهی جهانی دسترسی یافته و از رموز راز هستی آگاه شویم و به شناختی راستین برسیم. ولی این به آن معنی نیست که بالآخره روزی میتوانیم شکل و قیافه خالق خویش را ببینیم زیرا خالق هستی از ماده ساخته نشده که شکل و قیافه داشته و قابل دیدن باشد. منظور از شناخت فهم واقعیت است و این فهم میتواند زندگی ما را دگرگون کند.

ما فکر میکنیم، یعنی اینطور بما گفته و به زور علم برای ما ثابت کرده اند که بغیر از این دنیا جهان دیگری وجود ندارد و هر چیز که میبینیم حقیقت مطلق است. در حالی که دنیای ما فقط یک رو از جهان هستی بوده و پشت پرده خبرهای دیگری هم هست.

واقعیت این است که ما در کل دارای دو جهان هستیم. **الف**: جهان بیرونی. **ب**: جهان درونی. مادر قسمت بیرونی هستی زندگی میکنیم و یکی از خصوصیات این لایه داشتن زمانهای سه گانه است. عبارت دیگر ما ۳ بعد بیشتر را نمیتوانیم احساس کنیم در حالیکه ابعاد دیگری هم وجود دارد. در این بعد ما گذشت زمان را احساس میکنیم و در واقع فقط این ما هستیم که گذشته و آینده را اینگونه احساس میکنیم، اما حقیقت این است که در دنیای درون همه چیز در زمان حال اتفاق می افتد و به زبان دیگر در آن جهان نه گذشته ای هست و نه آینده ای، نه کسی بدنیا می آید و نه از دنیا میرود و اگر امکاناتش را داشتیم میتوانستیم در زمان سفر کرده و گذشته و آینده خود را یکجا ببینیم.

از آنجایی که سرعت وقوع حوادث در دنیای درونی بسیار بیشتر از دنیای ما می‌باشد، بهمین دلیل در حقیقت آینده ما از نظر آن جهانی گذشته آنها بحساب می‌آید (گذشته به تعریف ما) و این یکی از دلایلی است که توضیح می‌دهد چرا میتوان از حادثه ای که بقول ما زمینیان هنوز اتفاق نیفتاده خبر داد. در واقع حادثه اتفاق افتاده و این ما هستیم که دیر از آن باخبر شده ایم. حال به این نکته خوب دقت کنید: اگر کسی بتواند خود را بنحوی به آن دنیا وصل کند، میتواند از تمام اتفاقاتی که در آنجا رخ میدهد و قرار است که در آینده ی ما، رخ بدهد ما را مطلع کند.

حال سؤال این است که آیا چنین چیزی امکان دارد؟ در پاسخ باید بگویم بله امکان دارد و اتفاقاً راههای زیادی هم برای رسیدن به این منظور در دسترس ما قرار دارد. ما این راهها را در بخش چگونگی انجام پیشگویی مورد بحث قرار میدهم.

شاید اکنون برای شما باور این مسئله سخت باشد که چگونه چنین چیزی ممکن است؟ اما باور کنید که این یک موضوع بسیار عادی است. متأسفانه در طول تاریخ اتفاقات زیادی رخ داده و افراد خاصی سعی کرده اند که انسانها را از حقیقت دور نگه دارند، بهمین دلیل اکنون برای ما باور این مطلب سخت است.

همانطور که قبلاً عرض شد بسیاری از اتفاقاتی که اکنون در حوزه ماوراء الطبیعه طبقه بندی میشود، بدلیل عدم شناخت ما از هستی است و زمانی که شناخت بالا میرود حقیقت هر چیز عیان میگردد. زمانی علمی مانند شیمی، فیزیک و ریاضی هم جزء علوم غریبه محسوب میشدند اما، به تدریج و با افزایش آگاهی انسانها اکنون در ردیف علوم تجربی قرار گرفته و در مدارس تدریس میشوند. شاید هم روزی برسد که روشهای پیشگویی، سفر در زمان، غیب شدن و بسیاری از علوم دیگر را در مدارس تعلیم دهند، به امید آن روز.

آشنایی با روشهای پیشگویی

گفتیم که دنیایی بغیر از دنیای ما وجود دارد که همه اتفاقات در آن در زمان حال رخ میدهد. بنابر این وقتی کسی ادعای پیشگویی دارد، معنی اش این است که چه بداند و چه نداند بنحوی به این دنیا متصل شده، که میتواند از آینده و اتفاقاتی که قرار است رخ دهد ما را باخبر کند. حال میخواهیم ببینیم این عمل چگونه صورت میگیرد.

قبل از اینکه وارد اصل مطلب شوم مایلیم این نکته را متذکر شوم که ممکن است افرادی که به علم و

عمل پیشگویی اشتغال دارند برای کار خود تعریف دیگری داشته باشند که البته این زیاد مهم نیست اما،

حقیقت این است که تعریف اصلی همان است که عرض شد.

حال در وهله اول چگونگی پیشگویی را بررسی کرده و سپس به سراغ روشهای ارتباط با جهان درون

رفته و در حد حوصله این کتاب به آنها میپردازیم.

پیشگویان کیستند و قدرت خود را از چه منبعی دریافت میکنند؟

پیشگویان کسانی هستند که قدرت خبر دادن از آینده را دارند و میتوانند از اتفاقاتی که هنوز رخ نداده ما را مطلع سازند. اگر ما این عمل را نوعی قدرت بحساب بیاوریم پس، پیشگویان افراد قدرتمندی هستند. حال سؤال این است که آنها این قدرت را از چه منبعی دریافت میکنند.

برای اینکه بدانیم پیشگویان قدرت خود را از کجا میآورند؟ لازم است که در ابتدا با ماهیت این قدرت آشنا شویم. حقیقت این است که این قدرت چیزی مانند قدرت بدنی نیست و معنی از نوع زور ندارد، بلکه این قدرت همان توانایی برقراری ارتباط با دنیای درون است. بعبارتی پیشگویان واسطه هایی هستند که توانایی عبور اطلاعات از خود را دارند. اگر بخواهیم تعریف واضحتری از پیشگویان داشته باشیم، مثال سیم برق است.

کسانی که با برق آشنا هستند میدانند که بهترین هادی برق، یعنی وسیله ای که برق را بخوبی از خود عبور میدهد، فلز طلا میباشد. از آنجایی که طلا گران است بنابراین از فلز مس بعنوان جانشین خوبی برای آن استفاده میکنند و در حال حاضر تمام سیمهای برق از این فلز ساخته میشوند. پیشگویان نیز کسانی هستند که مانند یک هادی خوب اخبار و اطلاعات را از جهان درون گرفته و به خود آگاهی خود منتقل میکنند. حال میخواهیم ببینیم این توانایی را پیشگویان چگونه کسب میکنند. باید بگوییم که پیشگویان ممکن است این توانایی را به شکلهای مختلفی بدست آورند که مادر اینجا به ۵ نوع آن میپردازیم.

نوع اول - دریافت مادر زادی / نوع دوم - دریافت تصادفی / نوع سوم - دریافت از

طریق الهام / نوع چهارم - دریافت از استاد / نوع پنجم - دریافت از طریق ریاضت.

در نوع اول ، پیشگو مادر زادی از این موهبت برخوردار میشود و درحقیقت این قدرت از بدو تولد

همراه اوست و اینکه فرد چه زمانی از قدرت خود باخبر میشود موضوعی است که کسی از آن مطلع نیست.

در نوع دوم ، ممکن است پیشگو به صورت تصادفی دارای این قدرت شود. بارها اتفاق افتاده است که

افراد بر اثر ابتلا به بیماریهای سخت و یا تصادف شدید با اتومبیل یا وسایل نقلیه دیگر و همچنین بر اثر

سقوط از ارتفاع و یا برق گرفتگی و خلاصه سوانح و اتفاقات ناخوشایند دیگر و بعد از خلاصی از آن

مشکل یا بهبودی بیماریشان متوجه میشوند که به شکل ناگهانی صاحب قدرتهایی شده اند. مثلاً میتوانند

از آینده خبر بدهند، با چشم بسته ببینند. اشیاء را به نیروی اراده حرکت بدهند و دهها کار دیگر. این

افراد چون این قدرتها را ناگهانی بدست آورده اند خود نیز نمیدانند که این توانایی از کدام قسمت از

بدن آنها نشأت میگیرد و چگونه میتوان آنها را کنترل کرد. در بعضی از موارد این قدرت بهمان شیوه

ای که آمده یعنی ناگهانی، بهمان شکل هم ناپدید میشود.

همین چندسال قبل بود که زنی در روسیه بر اثر برق گرفتگی از ارتفاع بلندی سقوط کرد و همه فکر

کردند که او زنده نمیماند. اما وی نه تنها زنده ماند، بلکه بعد از این اتفاق متوجه شد، قدرتی یافته که

میتواند زیر زمین و پشت دیوارها را هم ببیند. دولت روسیه بعدها از این زن در زمینه های بسیاری

استفاده کرد. پس یکی از راههای کسب قدرت پیشگویی به اینگونه است .

در نوع سوّم، این توانایی به افراد بخصوصی مانند روحانیون و یا افراد با ایمان و پاکدل از هر مذهبی در خواب یا عالم رویا و یا حتی در بیداری به صورت الهامی داده میشود. یعنی ممکن است که در یکی از این سه حالت افراد صدایی بشنوند یا پیشوای مذهبی خود را رویت کنند که این قدرت را به آنها اعطا میکند.

بسیاری از افراد با ایمان در سراسر دنیا بدون اینکه خود شخصاً دخالتی در این امر داشته باشند از طرف مأموران آسمانی و از طرق مختلف قدرتهای گوناگونی را کسب میکنند. در کشور ما نیز از این اتفاقات کم رخ نداده است. آنهایی که مباحث ماورائی را دنبال میکنند با نام مرحوم **کربلای کاظم (ساروقی (۵)** آشنا هستند. این مرد بزرگ که خدایش بیامرزد، از انسانهای پاک روزگار و زمانه خود بود که در اثر ماجرای در امامزاده روستای خود (نزدیک اراک) با چند موجود آسمانی ملاقات کرده و در آن جریان هدیه ای بس بزرگ و گرانبها به وی اعطا میشود و آن حافظیت قرآن بود. این مرد پاک که اصلاً سواد نداشت و هرگز به مکتبخانه نرفته بود بعد از آن دیدار شگفت انگیز میتوانست تمام قرآن را از حفظ بخواند. تواناییهای دیگری هم در زمینه علوم قرآنی به وی عطا شده بود که شما میتوانید با مراجعه به کتاب زندگی نامه آن مرحوم از آنها مطلع شوید.

در نوع چهارم، در این نوع، پیشگویان قدرت خود را از اساتید دریافت میکنند و این امر ممکن است که بصورت تصادفی باشد. یعنی حتی ممکن است فردی بدون اینکه با این عوالم آشنا باشد با استادی ملاقات کند و وی این قدرت را به تشخیص خود به او اعطا کند. از این نوع اتفاقات در میان عرفا زیاد رخ داده است، بخصوص در **آیینِ دِن** که مکتبی ژاپنی چینی است اساتید گاهی اوقات جانشینان خود را به این شیوه انتخاب میکنند. مثلاً در تبت **دالایی لاما** جانشین خود را براساس بررسی روی نوزادان تازه بدنیا پسر انجام میدهد و هر نوزادی را که لایق تشخیص دهد، آن را به معبد منتقل کرده و تحت تعلیم قرار میدهند.

نوع پنجم، و اما در نوع آخر افراد با مراجعه به اساتید، تحت تعلیم قرار گرفته و بصورت تجربی اینکار را فرامیگیرند. در این نوع از آموزش، استعداد اولیه شخص و میزان درک و فهم او از مسائل ماورایی سهم بسزایی در موفقیت وی دارد. سالها طول میکشد تا یک نفر بجایی برسد که بتواند با عالم بالا ارتباط برقرار کرده و اقدام به پیشگویی کند. در میان ملل قدیم معمولاً افراد را از دوران کودکی برای این کار انتخاب میکردند و نکته جالب این بود که در میان یونانیان و اسپارتها اینکار بیشتر به زنان آموخته میشد تا مردان، و همانگونه که قبلاً عرض شد اسپارتها بهترین دختران خود را در اختیار کاهنان قرار میدادند و آنها روش پیشگویی را به آنها می آموختند و هنگامی که پادشاه کار مهمی میخواست انجام بدهد حتماً با این پیشگوها که بنام **اوراکل** خوانده میشدند مشورت میکرد.

چگونگی انجام پیشگویی

بعد از اینکه چگونگی کسب قدرت توسط پیشگویان را شرح دادیم حال نوبت به چگونگی انجام عمل پیشگویی توسط آنها میرسد. پیشگویان از تباط با عالم درون برای کسب اخبار غیبی را به شیوه های مختلفی انجام میدهند. بعضی با استفاده از وسایل بخصوصی به انجام اینکار مبادرت میکنند، در حالیکه بسیاری از آنها نیز بدون اینکه از چیزی استفاده کنند تنها از طریق درون به اینکار مبادرت میورزند. ما ابتدا به بررسی روشهایی میپردازیم که مبتنی بر ارتباط پیشگو با درون خود بوده و بدون بکار گیری وسیله خاصی است. این روشها هم بسیار متنوع هستند و ما در حد حوصله این کتاب به آنها خواهیم پرداخت.

شکل اول - در این نوع از کار، پیشگویان بدون اینکه نیاز به وسیله ای داشته باشند و یا در حالت خاصی قرار بگیرند، فقط به محض دیدن کسی شروع به خبر دادن از آینده وی میکنند. در این حالت فقط خود پیشگواست که میداند چگونه و از کجا خبرهایی را که میدهد کسب میکند. بعضی از آنها اعلام میکنند که در این هنگام صدایی میشوند که در باره آن فرد اخباری را به آنها بازگو میکند.

(این حالت برای اینجانب بسیار پیش آمده است. مثلاً چندی پیش آبان سال ۸۸ هنگام مسابقه فوتبال بین تیمهای منچستر یونایتد و لیورپول، تیم منچستر سیاه پوشیده بود و بمحض اینکه مسابقه شروع شد، صدایی در گوش من گفت منچستر این بازی را میبازد زیرا رنگ لباسش سیاه است و این رنگ امروز برای این تیم شگون ندارد. چند سال پیش هم که ایتالیا جام جهانی فوتبال را فتح کرد، قبلاً در جلسه ای از اینجانب خواستند که در باره اینکه کدام کشور قهرمان میشود پیشگویی کنم. بمحض اینکه سؤال مطرح شد، صدایی در گوش من گفت: کشوری قهرمان میشود که پرچمش شبیه ایران است.)

شکل دوم - در این نوع از کار، پیشگو برای اینکه بتواند پیشگویی کند باید ابتدا، در حالت خاصی که به آن تمرکز مطلق فکر، خودهیپنوتیزم، جذب، خلسه و یا ذن میگویند قرار گیرد و ارتباط خود را با عالم دیگر برقرار کند تا بتواند در باره فرد مورد نظر پیشگویی کند. (در باره این حالتها در دوره آموزش هیپنوتیزم و مانیه تیزم کاملاً توضیح داده ایم).

شکل سوم - در این نوع از اشکال پیشگویی، پیشگو با ارتباط با موجودات عوالم دیگر از آنها کسب خبر میکند. این موجودات حقیقی بوده و در قرآن کریم از تعدادی از آنها مانند **جنیان** بصراحت نام برده شده است. وارد شدن به این مرحله بسیار خطرناک بوده و بدون داشتن مرشد و راهنما خطرهای زیادی در کمین افراد است.

شکل چهارم - در این حالت پیشگو برای پیشگویی از اعضای بدن فرد استفاده میکند. مانند **کف بینی** در این نوع از پیشگو اعتقاد بر این است که جسم ما تجلیات روح را به نمایش میگذارد و از این طریق میتوان از اخبار حال و آینده در باره افراد باخبر شد.

شکل پنجم - در این نوع، پیشگویی با کمک گرفتن از وسایلی مانند، **ورقهای بازی، کارتهای**

تاروت، فنجان قهوه و چای (که حاوی ته نشین مواد مذکور است) و دهها و صدها وسیله و ابزار

دیگر انجام میشود. گاهی نیز از **استخوان مردگان، ظروف پر از آب، نگاه کردن به آتش**

شعله ور شده و برای انجام اینکار بهره میجویند. تعدد روشها به اندازه ای است که امکان نام بردن

همه آنها در این مختصر نیست اما بدانید که همه اینها فقط وسیله ای برای برقراری ارتباط است.

شکل ششم - گاهی نیز پیشگویان برای انجام اینکار از عوامل طبیعی استفاده میکنند، مثلاً با نگاه کردن به **ابره‌ای آسمان، حرکت پرندگان، صدای جانوران، وضعیت جوّی و چیزهایی** مانند آنها در باره افراد یا موضوع خاصی به پیشگویی میپردازند. گاهی نیز از رویاهایی که خود یا افراد دیگر میبینند در باره اتفاقات آینده پیشگویی میکنند. حتی گاهی هم در محلی می ایستند و از شکل و قیافه رهگذران و یا سخنان آنها در باره آینده سخن میگویند.

شکل هفتم - گاهی نیز پیشگویی بر اساس **علم نجوم** است. یعنی در این نوع از کار پیشگویان که منجم هم هستند با توجه به وضعیت ماه و خورشید و ستارگان و نحوه قرار گرفتن آنها در بروج ۱۲ گانه و مطابقت طالع افراد با نکات یاد شده اقدام به پیشگویی میکنند. این روش پایه و اساس بسیار مستحکم علمی داشته و ما در دوره آموزش نجوم احکامی آن را آموزش میدهیم.

شکل هشتم - نوعی از پیشگویی نیز وجود دارد که افراد با استخاره گرفتن بوسیله تسبیح یا کتب مذهبی اقدام به اینکار میکنند. البته ممکن است بعضی استخاره را پیشگویی به حساب نیاورند اما ما در مکتب علمی خود معتقدیم اینکار هم نوعی پیشگویی است.

شکل نهم - گاهی نیز روشهایی در بین خانواده‌ها از قدیم الایام مرسوم است و آنها نسل اندر نسل به آن طریق در باره آینده اقدام به پیشگویی مینمایند. این عمل در بین تمام ملل وجود دارد. حتی در دین یهود رسماً نوع خاصی از سنگها را برای اینکار مورد استفاده قرار میدهند.

شکل دهم - دوروش مهم نیز برای پیشگویی هست که ما ترجیح دادیم به علت اهمیتی که دارند در

آخر این بخش به آنها پردازیم. این دوروش یا سیستم **علوم جفر و رمل** هستند.

این دو علم از علوم بسیار قدیمی بوده و از سابقه چند هزار ساله برخوردارند. علت اهمیت این دو علم

در تفاوت آنها با شیوه هایی است که تاکنون نام بردیم. هرچند که همه آن راهها به یک جا ختم میشود

اما وقتی این دو علم یا روش بسیار مهم را شرح دادیم شما خود به اهمیت آنها پی خواهید برد.

از آنجایی که این کتاب پیش نیازی برای دوره آموزش پیشگویی بوده و در این دوره ما علوم جفر و

رمل را نیز آموزش میدهیم و کلیه کسانی که میخواهند در این دوره شرکت کنند باید این کتاب را

مطالعه نمایند، بهمین دلیل در انتهای آن در باره این دو علم بسیار اصیل تا آنجایی که ممکن باشد

توضیحاتی چند را عرضه داشته وبقیه مطالب میماندبرای آموزش مخصوص هر دوره؛ ابتدا به علم رمل

پرداخته و آن را بشما معرفی میکنیم.

آشنایی با علم رمل

الف: رمل چیست؟

از جمله علمی که سابقه دیرینه داشته و انسانها از هزاران سال قبل از آن برای پیشگویی و آگاهی از حوادث آینده و همچنین یافتن علت و راه حل مشکلات و اموری از این قبیل استفاده میکردند علم صحیح و شریف رمل است.

رمل علمی است که موضوع آن پیشگویی آینده و استخراج احوالات افراد و بطور کلی پاسخ به سوالات مطرح شده میباشد و این کار در این علم به وسیله اشکالی که با خط و نقطه درست میشوند صورت میگیرد و از این نظر به کامپیوتر شباهت زیادی پیدا میکند زیرا اساس کار کامپیوتر را هم خط (—) و نقطه (•) تشکیل میدهد. این علم هیچ محدودیتی از نظر کار برد ندارد. یعنی چون جنبه سؤال و جوابی دارد پس میتوان هر سؤالی را مطرح کرد و استاد این علم که در اینجا او را رمل میخوانیم، بسته به میزان دانش و مهارت خویش میتواند جواب مناسب برای سوال طرح شده را بیابد که در طول دوره آموزشی با چگونگی انجام این کار آشنا خواهیم شد.

اماتذکر این نکته در اینجا هم لازم است، که ما باید همیشه بخاطر داشته باشیم علم کامل از غیب و غیر آن در نزد خداوند است پس کسی نمیتواند ادعا کند که با استادی در علوم جفر و رمل و یا هر مهارت دیگری به غیب خداوندی دست یافته است بلکه باید دانست آن مقدار از این علوم که به بشر داده شده قطره ای از اقیانوس بیکران خزانه علم خداوندیست و هدف از افاضه آن در حقیقت مقابله با شیطان و یارانش و هم چنین پی بردن به خیر و شر امور بوده است.

ب: چگونه خط و نقطه میتواند از آینده خبر بدهد؟

قبل از اینکه پاسخ این سوال را بدهم لازم میدانم به این نکته اشاره کنم که همانگونه که در مجموعه کتابهای آموزش جفر جامع آورده ام پیشگویی آینده اولاً، امکان دارد. ثانیاً، همانطور که در بخشهای قبلی عرض شد به روشهای مختلفی انجام میگیرد و علم رمل هم یکی از آن روشها میباشد.

این سؤال را که، پیشگویی و یا استخراج جواب در رمل چگونه صورت میگیرد؟ را میتوان در قالب دو

نظریه توضیح داد. ۱- نظریه علمی و روانشناسی ۲- نظریه مذهبی

نظریه علمی، بر این باور است که در درون انسان قدرتی و یا شعوری وجود دارد که در اینجا آن را ضمیر ناخودآگاه میخوانیم. این شعور درونی متصل به آگاهی جهانی بوده و از هر چیزی باخبر است و نقطه و خط نیز یک وسیله قراردادی است و شعور ناخود آگاه از طریق آن با انسان ارتباط برقرار کرده و خبر از آینده میدهد و یا علت مشکلات را روشن میسازد.

نظریه مذهبی، ضمن تأیید این مطلب اضافه میکند که این آگاهی همان الهام خداوندی است که از طریق خط و نقطه به رمال الهام شده و جوابی مناسب و درخور سوال شخص به او ارائه میدهد و بدون لطف خدا ما هیچ آگاهی نسبت به هیچ امری نخواهیم داشت. استخراج با قرآن هم چیزی شبیه به آن است.

نکته مهم در اینجا آن است که در هر دو نظریه و روش ما باید این را بدانیم که خط و نقطه فقط وسیله ای قرار دادی بوده برای رسیدن به اطلاعاتی که از عالم غیب به رمال الهام میشود. همچنانکه در قبل دیدیم که پیشگویان از وسایل مختلفی برای پیشگویی استفاده میکنند و علم رمل نیز یکی از آن روشها میباشد. اما چیزی که به رمل اهمیت فوق العاده میدهد آن است که این علم از طرف خداوند متعال نازل شده و معجزه چند تن از پیغمبران بوده است همچنانکه خواهیم دید و نکته دیگر اینکه دقت و درستی علم رمل را نمیتوان با فال قهوه و روشهایی مانند آن مقایسه کرد. منتهی نکته ظریفی که در اینجا وجود دارد همان است که قبلاً گفتیم، یعنی رمال باید بداند که خط و نقطه بخودی خود قدرتی ندارند، بلکه به اذن خدا وسیله ای هستند برای انتقال اطلاعات.

پس مشخص شد که خط و نقطه و اشکالی که از آنها پدید میآید به خودی خود عامل چیزی نیستند بلکه یک مفهوم قراردادی بوده و برای تفسیر اطلاعات بدست آمده بکار میروند و شخص میتواند در صورت پیشرفت بیشتر در این علوم از راههای دیگری هم کسب اطلاعات بکند که در این باره در در دوره آموزش پیشگویی بیشتر سخن خواهیم گفت.

ج: ابداع کننده این علم کیست؟

هیچ کس بغیر خدای متعال نمیداند که برای اولین بار چه کسی و در کجا این علم را کشف کرد و به کار برد. اما منابع قدیمی در این باره میگویند: این علم معجزه ۷ تن از انبیاء عظام به شرح ذیل بوده است. حضرت آدم، شیث، ادریس، لقمان، شعیا و ارمیا و دانیال نبی، در باره پیدایش این علم و علت مشهور شدن آن هم به رمل داستانهای زیادی وجود دارد که در بحث علت نامگذاری به آن پرداخته ایم.

د: جایگاه علم رمل در اسلام

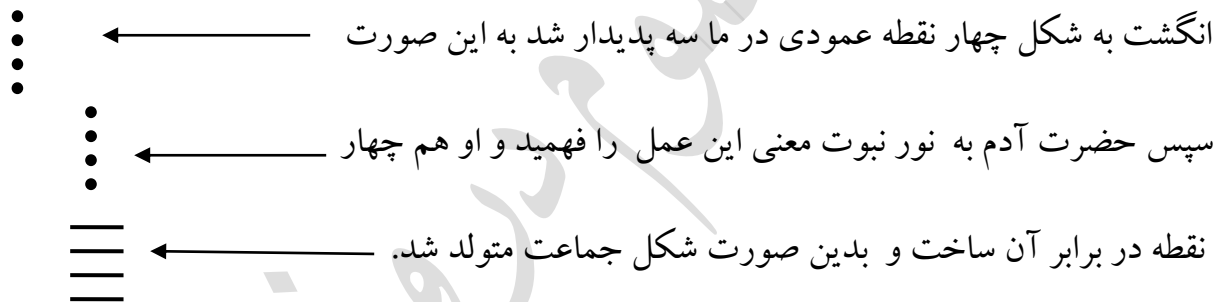
این علم از جمله علوم صحیحه بوده و در دین مقدس اسلام با آن مخالفتی نشده تا آن جایکه شخص رمال نقطه و خط را مؤثر حقیقی نداند بلکه خداوند متعال را حکیم و دانای مطلق بداند و اینگونه تصور بکند که نقطه و خط به اذن خدای متعال میتوانند مؤثر باشند و لا غیر، و اما در این باره مولای متقیان امام علی (ع) فرموده است:

(الم تر ان الله جل ثنائه افاض علی ادریس علماً مرملاً و الهمه علم النقاط بفضله و اوحی الیه کل ما کان مشکلاً). و نیز صاحب کتاب نفحات از ابن عباس و او از نبی مکرم اسلام (ص) نقل فرموده است:

(کان نبی من الانبیاء یخط بخط الرمل فمن وافق خطه، فقد اصاب الحدیث). همانگونه که میبینید در این دو حدیث ارزشمند امام علی (ع) و حضرت محمد (ص) این علم را معجزه حضرت ادریس دانسته و آن را الهام از طرف خدای متعال میدانند.

ه: وجه تسمیه و علت نامگذاری

رمل در لغت به معنی شن و ماسه میباشد و علت اینکه چرا این نام برای علمی که هیچ ارتباطی با شن و ماسه ندارد انتخاب شده است؟ سؤالی است که جواب آن در کتب قدیمی و منابع این علم اینگونه آمده است که، وقتی خداوند متعال حضرت آدم و حواء را از بهشت اخراج کرد و روی زمین فرستاد، آدم حواء را گم کرد و روزی اندوهگین در کنار دریا نشسته بود که حضرت جبرئیل به سراغ او رفت و علت ناراحتی او را جویا شد و سپس چهار انگشت خود را در ماسه فرو کرد به صورتی که اثر چهار



یعنی از ترکیب نقطه های ۲ شکل بالا **طریق** (نقطه های چهار تایی) شکل **جماعت** (چهار خط)

تولید شد و از ترکیب خط و نقطه این دو شکل، شانزده عدد اشکال رملی تولید یافت که منشأ علمی بسیار ارزشمند گردید.

داستان دیگری هم میگوید که علم رمل معجزه حضرت دانیال بوده که جبرئیل (ع) در روی ماسه به او تعلیم داد و از این سبب به رمل مشهور گشت. اما دلیلی هم هست که قابل قبول تر این است و آن این است که از آنجایی که پایه و اساس این علم خط و نقطه است و یکی از راههای ساختن خط و نقطه استفاده از سنگ ریزه و یا ماسه میباشد به همین دلیل نام آن رمل شد.

پایه و اساس رمل

الف: مفهوم خط و نقطه

همانطور که در قبل آمد، رمل علم پاسخگویی به سوالات است و این کار بوسیله اشکالی که از ترکیب خط و نقطه بوجود می آید انجام میشود. در این قسمت بطور مُفَصَّل این موضوع را مورد بررسی قرار خواهیم داد. قبل از هر مطلبی ابتدا به بررسی مفهوم نقطه و خط و جایگاه این دو در این علم میپردازیم گفتیم که اساس علم رمل بر خط و نقطه و شکلهایی است که از ترکیب این دو متولد میشود. حال می خواهیم بدانیم که چرا این دو مفهوم هندسی برای استنباط احکام و ساختن اشکال انتخاب شده اند.

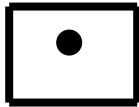
این مطلب را در همینجا داشته باشید تا داخل پرانتز به وجه تشابه آن با یکی از اختراعات مهم بشر یعنی کامپیوتر پردازیم. (هر کدام از شما خوانندگان محترم که کامپیوتر داشته و یا با این وسیله سروکار داشته باشید حتماً این مطلب را شنیده اید که اساس کار کامپیوتر بر خط و نقطه میباشد) آیا هیچ از خود پرسیده اید که چرا خط و نقطه برای پایه کار کامپیوتر انتخاب شده است. من در این کتاب که آموزش علم رمل نمیشد نمیتوانم بطور مفصل به این موضوع پردازم اما توصیه میکنم تاریخ اختراع کامپیوتر را بخوانید آنگاه خواهید فهمید که چرا خط و نقطه اساس کار کامپیوتر را تشکیل میدهد).

اما علت انتخاب این دو مفهوم ریاضی یا هندسی در رمل به این علت بوده که **نقطه** در این علم معنای گشایش و باز بودن و جاری شدن را میدهد و **خط** همه جا به معنای مسدود شدن و بسته بودن میباشد. این نکته را در همه جا میتوانید مشاهده کنید، مثلاً در راهنمایی و رانندگی هر جا که میخواهند مفهوم بسته شدن را روی تابلوهای راهنمایی نشان بدهند از خط استفاده میکنند. یک مثال ساده تردیگراینگه، خط مانند دیوارهای یک خانه بوده و نقطه به مثابه در اطاق میباشد. در رمل هم از آن جایی که پاسخ سوالها اکثراً یا مثبت یا منفی بوده و احتیاج به تشریح ندارد پس نقطه سمبل جواب مثبت و خط نماینده جواب منفی میباشد.

بررسیهای تاریخی نشان میدهد که، مفهوم خط و نقطه به نحو عجیبی در میان ملل مختلف شناخته شده بوده و از زمانهای خیلی دور با آن آشنا بوده اند. مثلاً علمی بنام آی چینگ یا ایچینگ در میان چینی ها معمول است که شباهتهای زیادی با رمل دارد زیرا اساس آن علم هم خط و نقطه میباشد. این نشان میدهد که بعضی علوم ریشه واحدی داشته و از یک جا نشأت گرفته اند.

از مفاهیم دیگر خط و نقطه در رمل شمارش عددی میباشد که مبنای این کار بر اساس روشهای مختلف در رمل متفاوت بوده اما همه جا این نقطه است که اساس شمارش قرار میگیرد. مثلاً در شمارش ابجدی نقطه ای که در سطر اول یک شکل باشد، یعنی سطر آتشی عدد آن (۱) است و نقطه بادی عددش (۲) و نقطه آبی (۳) و نقطه خاکی (۴) میباشد.

بحث خط و نقطه از مباحث اصلی در رمل میباشد و بنده کشف کرده ام که مفهوم خط و نقطه حتی در دین مقدس اسلام هم بگونه ای رمزی مورد استفاده قرار گرفته است، آن جایکه جانهای عاشقان بدور نقطه مبارکی بنام خانه خدا یا کعبه میگردند، میتوان کعبه را بعنوان نقطه و حاجیان را بعنوان



خط تصور کرد به این صورت ←

گذشته از آن، اگر نقطه را به شکل یک دایره فرض کنیم مفهوم بیکرانگی را میرساند و اگر به شکل یک مربع بگیریم به اینصورت (◆) آنگاه نماد جهان چهار عنصری خواهد بود. اصولاً اگر خوب به دور و بر خود نگاه کنیم میبینیم که جهان ترکیبی از نقطه و خط است و هنری مانند نقاشی هم اصولاً اساسش بر نقطه و خط است.

ب: اشکال رملی

در این علم ۱۶ شکل با ترکیب خط و نقطه بوجود می آید و رمال بوسیله این ۱۶ شکل استخراج جواب مینماید. در ابتدا با این اشکال و نام هر یک آشنا میشویم. شانزده شکل را به همراه نام آنها در

جدول ذیل ملاحظه میفرمایید. **جدول اشکال شانزده گانه رملی**

ردیف	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	
اشکال																	
نام شکلهای	لججـاز	حـمره	نصره الخارج	یاض	قبض الخارج	اجتماع	عبه الخارج	انکس	عقله	قبض الداخل	فرح	نصره الداخل	نفی الخلد	عبه الداخل	طریق	جماعت	

د: خانه های رملی و زایجه رمل

علاوه بر اشکال شانزده گانه در رمل شانزده خانه خانه هم داریم (در اصل دوازده خانه به تعداد بروج نجومی و این دوازده خانه هستند که دارای طبع و هم چنین حکم اصلی میباشند و ۴ خانه دیگر حکم حمایت کننده و شاهد را دارند ، البته مفهوم خانه به این معنی نیست که آنها هم دارای شکل مشخصی باشند بلکه بیشتر یک امر قرار دادی است یعنی فرض میکنیم که این تعدادخانه داریم، جای قرار گرفتن هر شکل را خانه میگویند.

علم رمل از نظر شکل کاری شباهت و ارتباط نزدیکی با نجوم پیدا میکند، یعنی اینکه کلیه قوانین و احکام علم نجوم از نظر سعد و نحس بودن در اینجا هم صدق میکند. از طرفی کسانی که با علم نجوم آشنا باشند میدانند که در این علم زایجه آن ۱۲ خانه به تعداد بروج دارد(زایجه یک مفهوم نجومی است و معنای آن این است که در اصل هر کس که متولد میشد برای او یک نقشه نجومی میکشیدند وضعیت سیارات و ماه و خورشید را بهنگام تولد فرد میسنجیدند و طالع او را استخراج میکردند و از آنجاییکه کلمه زاییدن به معنای بدنیا آوردن میباشد، پس اسم زایجه و یا زایچه را به این نقشه نجومی اطلاق کردند که تا به امروز هم باقیست). در رمل هم بهنگام بدست آوردن جواب زایجه ای تشکیل داده ورمال وقتی اشکال شانزده گانه را تولید کرد و هر شکل را در خانه مربوط به خود قرار داد آنگاه بسته به سوالی که پرسیده شده به خانه مربوطه نگاه کرده وبا توجه به شکل ساکن در آن و بقیه مسایل جواب سؤالی را که پرسیده شده استخراج مینماید.

پایان معرفی علم رمل

در اینجا معرفی علم رمل به پایان رسید و در بخش بعدی به معرفی علم بسیار ارزشمند و شیرین جفر خواهیم پرداخت. جفر علمی است که بنظر من تا به امروز هیچ علم دیگری روی دست آن نیامده و بعد از علوم دینی هیچ علمی با ارزشتر از آن نمیباشد.

تفاوت جفر با رمل بسیار است، از آن جهت که جفر به معنای واقعی یک علم است. این مطلب به آن معنی نیست که بقیه مباحثی که تا کنون مطرح کردیم علم نیستند. نه، اینطور نیست بلکه موضوع این است که در تمام مباحث مطرح شده قبلی درستی پیشگویی تا اندازه زیادی به تمرکز کامل پیشگو و برقراری ارتباط کامل او با عالم بالا مربوط شده و تمام این اعمال بوسیله ذهن فرد صورت میگرداند، در جفر (البته در جفر نوینی که بنده ابداع کرده ام) این حروف هستند که جواب شما را میدهند و این پاسخ هم در ذات آنها است. یعنی اینکه اگر ما روی ازدواج دونفر با اسم مشخص سؤال میکنیم، تا زمانیکه آن دونفر آن اسمها را دارند نتیجه ازدواجشان هم مشخص بوده و بدون تغییر خواهدماند. یعنی اگر صدبار هم آن سؤال را مطرح کنیم جواب هم همانی خواهد بود که بار اول استخراج شد و با تکرار سؤال آن تغییر نخواهد کرد. درحالیکه در رمل و روشهای دیگر ممکن است با هر بار سؤال کردن تغییراتی در جواب صورت بگیرد و این نکته ای است که جفر را از تمام علوم اینچینی متمایز میسازد.

این علم شیرین را نیز در کتب آموزشی آن تمام و کمال برایتان توضیح خواهیم داد اما برای کامل شدن این کتاب هم به شرح مختصری در این باره اقدام می کنیم.

مقدمه بر آشنایی با جفر

واما در بخش پایانی این کتاب یکی از شگفت‌انگیزترین و اسرار‌آمیزترین علوم را که تاکنون بشر موفق به کشف آن شده را حضورتان معرفی میکنم. این دانش شگرف علم حروف و اعداد است که نام دیگر آن جَفر است. این علم گل سرسبد علوم درونی (غریبه) بوده و رسیدن به آن حقیقتاً لطف و یاری و امداد بخصوص از طرف خالق هستی را میطلبد و بدون یاری او هرگز این دانش بدست کسی نیامده و هرگونه تلاشی که در این راه صورت بگیرد عبث و بیهوده خواهد بود.

جفر علم پی بردن به اسرار عالم هستی و ارتباط با عالم غیب جهت کسب اخبار غیبی از طریق حروف و اعداد بوده و متأسفانه اکثریت افرادی که دنبال فراگیری علم جفر میروند، آن را فقط از جنبه قدرت پیشگویی آن که جاذبه زیادی هم برای آنان دارد شناخته و از تواناییهای دیگر آن غافلند. در حالیکه جفر علمی بسیار قدرتمند و با حوزه کاری نامحدود میباشد. در صفحات آینده ما شما را بطور کامل با این علم آشنا میکنیم.

آشنایی با ماهیت جَفر

مقدمه ثانویه

علم جفر چیست و به چکار می آید؟ آیا حقیقت دارد که بوسیله حروف و اعداد میتوان سرنوشت کسی را پیشگویی نمود و یا راه حل مشکلات را یافت؟ آیا ممکن است در حروف و اعداد چنین قدرتی موجود باشد؟ آیا این علم در دین اسلام مورد تأیید است؟

اکثر کسانی که برای اولین بار به من مراجعه میکنند از این قبیل سوالات زیاد میپرسند. حال ما، در این کتاب برای اولین بار، حداقل در ایران به تمام این پرسشها و دهها و صدها سوال نپرسیده شما جواب داده و علاوه بر آن با آسان ترین شیوه نه تنها حقیقت و حقانیت این علم را به اثبات میرسانیم، بلکه در صورتی که مایل باشید در مرحله بعد و دوره آموزش حقیقی علم جفر، تمام اطلاعات لازم برای دستیابی به این علم با ارزش را در دسترس شما قرار میدهیم و باقی آن نیز به نصیب و تلاش شما بستگی دارد که تا چه حد بتوانید از این اقیانوس بیکران به اندازه لیاقت خود و ظرف وجودیتان برداشت کنید.

جفر چیست؟

این سوال دو جواب میتواند داشته باشد. اول اینکه بگوییم معنی کلمه جفر چیست؟ که در جای خود به آن پاسخ خواهیم گفت دوم اینکه از جنبه ماهیتی بخواهیم بدانیم که جفر چیست؟ پس در جواب میگوییم: جفر علم پی بردن به اسرار هستی از طریق حروف و اعداد است. هر چند که نام آن هیچ تناسبی با موضوع و ماهیت این علم ندارد که در جای خود آن را توضیح داده ایم.

اگر بطور خلاصه بخواهیم جفر را معرفی نماییم، باید بگوییم جفر علم حروف و اعداد است که دارای شاخه های متعددی است و یک شاخه آن که در میان علاقمندان به این علم معروف شده و همه جفر را به این معنا میشناسند، شاخه احکامی و یا استخراج جواب سوالات و پی بردن به اخبار غیبی (پیشگویی) است. در این شاخه اساتید این علم معتقدند که با استفاده از حروف و اعداد و انجام محاسباتی سری میتوانند به هر سوالی پاسخ بدهند. حال در اینجا سؤالی مطرح میشود و آن این است که آیا این علم حقیقی است و پیشگویی با حروف و اعداد صحت دارد یا خیر؟

در پاسخ میگوییم بله جفر نه تنها واقعیت دارد، که حقیقت آن در همین کتاب به اثبات خواهد رسید، بلکه (بعد از قرآن مجید و تعالیم الهی پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام علمی بالاتر از آن نیست و بنظر من بر هر کس واجب است که به اندازه خود از این دانش سودمند آگاه شده و در تشخیص خیر و شر زندگی خویش از آن استفاده کند.

چرا این علم را جَفَر مینامند؟

جفر یک کلمه عربیست که معنای آن با جابجایی اعراب حروف تغییر می یابد. یعنی اگر ما این کلمه را با فتحه (ج) و با سکون (ف) و (ر) بخوانیم به این صورت **جَفَر**، پس معنای چاهی را میدهد که انتهای آن روشن باشد و همچنین به پوست نوعی بزغاله گفته میشود. و اگر این کلمه را با کسره (ج) تلفظ کنیم به این صورت **جِفر** و یا با فتحه (ج و ف) به این صورت **جَفَر** در هر بار معنای آن عوض میشود (علاقمندان میتوانند با مراجعه به یک فرهنگ لغت عربی به فارسی این موضوع را پیگیر شوند). تلفظ صحیح در این علم همانا کلمه **جَفَر** است. هرچند که در هر صورت هیچکدام از طرز تلفظات و معانی بدست آمده با موضوع این علم ارتباطی پیدا نمیکند.

اما آن چیزی که در کتب قدیم در باره مسمی شدن این علم به این نام آمده چند قول است به این صورت که میگویند: **جَفَر** به معنای پوست نوعی بزغاله است و علت اینکه این نام روی این علم گذاشته شده به این علت است که در جنگ خیبر وقتی خزانه قوم یهود بدست مسلمانان افتاد در بین غنایم خورجینهایی از پوست بزغاله بود که در آن الواحی وجود داشت و وقتی مولی علی (ع) از خزانه دار یهودی در باره آنها سوال کرد پاسخ شنید: این الواح حاوی تمامی علم کهن قوم یهود است از زمان حضرت موسی تا به امروز و در آنها نوعی علم است که بوسیله آن میتوان از اخبار آینده مطلع شد.

پس بدستور پیامبر (ص) این خورجینها به منزل حضرت علی (ع) منتقل شد و ایشان قوانین آن علم را به عربی برگرداندند و چون اولین بار این الواح در درون خورجینهای ساخته شده از پوست بز مشاهده شده بود به همین دلیل بنام جعفر معروف شد. و اما روایت دیگری میگوید که نام امام جعفر صادق (ع) در ابتدا جعفر بوده است و حرف (ع) که در ابجد کبیر معادل عدد ۷۰ میباشد. الحاق آن به کلمه جعفر به این صورت بوده که از زمان حضرت علی که استاد اول و بنیانگذار حقیقی این علم بوده تا زمان امام جعفر صادق که شارح و مکمل این علم بوده هفتاد سال طول کشیده و از این جهت جعفر به جعفر تبدیل شده، خلاصه در این مورد روایت زیاد است و اینکه کدام درست است؟ الله اعلم.

نتیجه، به نظر بنده بهتر است این علم را علم حروف و اعداد بنامیم به علت اینکه از روابط بین آنها جواب سؤالات استخراج میشود و یا علم اخبار غیبی بدلیل اینکه از غیب خبر میدهد (البته منظور آن غیب خداوندی نیست، که دانای آن فقط خداوند متعال است بلکه منظور غیب نسبی است یعنی چیزهایی که در حالت عادی ما را از آنها آگاهی نیست اما در شرایط خاص و به اذن خدا امکان دسترسی بر آنها هست اما به هر کسی اجازه ورود به این حریم نمیدهند) همانطور که شاعر میفرماید:

هر که شد محرم دل در حرم یار بماند و آنکه این کار ندانست در انکار بماند

منشأ جفر (تاریخ پیدایش)

با توجه به توضیحات قبل مشخص گردید که این علم از جمله علوم است که مستقیماً و توسط ذات اقدس اله به رسولان و یا برگزیدگان خود نازل گردیده و اینگونه نبوده که شخص و یا اشخاصی بر اثر کنجکاوی و تلاش فردی به درک آن نایل شده باشند بهمین دلیل در تاریخ مکتوب و غیرمکتوب بشری مدرکی وجود ندارد که نشان دهد این علم برای اولین بار در میان چه قومی و در چه سرزمینی مطرح شده، اما آن چیز که مسلم است این است که از هزاران سال پیش در بین اقوام و ملل پیشرفته آن زمان مانند تمدنهای مصری و یونانی و بخصوص در بین یهودیان وجود داشته و به شکل گسترده ای مورد استفاده قرار میگرفته است.

و اما جفری که در حال حاضر ما در باره آن صحبت میکنیم در اصل اساس و پایه اش بر زبان عربی و حروف ۲۸ گانه این زبان و وضع بخصوص دوایر ابجدی و معادلهای عددی آن بوده و سپس در طول زمان نوع فارسی آن هم موجودیت پیدا کرده است .

جایگاه جفر در دین مبین اسلام

علم جفر در دین اسلام جایگاه رفیعی دارد و جزو دانشهای الهی و صحیحه بحساب میآید. بخصوص در میان شیعیان که این علم را بطور کامل منتسب به خاندان ولایت و امامت میدانند. چه در گذشته و چه در زمان حاضر بسیاری از علما و فضلا، بخصوص از قشر معزز روحانیت در این علم استاد بوده و کشفیات بزرگی هم در این رابطه داشته اند.

از علمای گذشته میتوان از شیخ بهایی و میرداماد کبیر و حسین اخلاطی و بسیاری از بزرگان دیگر منجمله اساتید بزرگ دهدار (پدروپسر) نام برد که جزء مفاخر شیعه به حساب می آیند. در زمان ما هم کم نیستند اساتیدی که به فضل الهی به این علم تسلط کامل دارند ولی به دلایل کاملاً موجه مایل نیستند که در میان مردم شناخته شوند. این بنده کمترین هم به لطف و خواست خدابه اندازه ای که لایق بوده ام از این خوان الهی بهره برده ام و شاید هم بیشتر زآن حدی که باید نصیب داشته ام که بر این نعمت و شایستگی شاکرم و فکرمیکنم مطالب این کتاب خودمهرتأییدی بر این مدعا باشد.

تذکریک نکته را در اینجا لازم میدانم و آن این است که من از راه و روش متفاوتی این علوم را بدست آوردم که میشود گفت بطور کلی با روش سنتی فرق دارد و بهمین دلیل شیوه آموزش من هم متفاوت است. بر این نکته تأکید میکنم و برای چندمین بار در این کتاب یادآور میشوم که برای اولین بار است که چهره واقعی علم جفر در اینجا نشان داده میشود و آن چیزیکه شما تاکنون در کتابها خوانده اید هیچ ارتباطی با علم جفر ندارد و یا کمترین ارتباط را با این علم داشته است.

اگر شما وارد دوره آموزشی ما شوید، این واقعیت را بخوبی درک خواهید کرد. حقیقت فرسنگها با آن چیزی که شما میشناسید و یا تصور میکردید وجود داشته باشد فاصله دارد که بیم دارم باور کردنش هم برای شما سخت باشد. برای اولین بار و فقط در این دوره تمام جنبه های وجودی این علم به چالش کشیده شده و زیرو بزم آن بدقت مورد بررسی قرار گرفته است. مطالب این کتاب بیشتر مورد استفاده افرادی قرار خواهد گرفت که سالیان دراز در پی یادگیری این علم بوده اند و به نتیجه لازم نرسیده اند و حال خواهند دانست چرا؟ تئوریهای این کتاب از آنجاییکه برای بار اول مطرح میشود پس باید چندین بار با دقت و تمرکز لازم مطالعه شود تا بدرستی فهمیده شود.

جفر، پیشگویی آینده و اثبات آن

در بخش قبلی توضیح داده شد که یک شاخه و همانا مهمترین شاخه جفر همان فن استخراج جواب سؤالات و خبر دادن از اتفاقات و حوادث آینده و یا امور مخفی میباشد. حال در این بخش میخواهیم ببینیم که آیا اینکار واقعاً عملی است؟ و اگر جواب مثبت است چطور چنین چیزی امکان پذیر است. قبل از آنکه وارد بحث اصلی بشویم اجازه میخوایم در ابتدا این مطلب را توضیح بدهم که **جفر یک علم است و با فال و استخاره و اموری از این قبیل بسیار فرق میکند.**

توضیح اینکه فال از هر نوع آن بر اساس احتمالات و ادراکات شخص فالگیر و وابستگی زیادی به قدرت تمرکز فکر آن شخص دارد. و ممکن است که گاهی اوقات به جوابهای درستی منتهی شود، اما اصول و روش خاص و یا فرمولی ندارد که همیشه جواب صحیح را بما بدهد. مثلاً ممکن است یک شخص در باره ازدواج خود فالی بگیرد. مطمئناً اگر چند بار فال بگیرد هر بار جوابی متفاوت تراز قبل خواهد آمد اما اگر شما از جفر سوالی در باره ازدواج دونفر بپرسید، تا زمانی که اسامی شما ثابت باشد جواب هم تا ابد ثابت است، مگر اینکه اسامی عوض شود تا جواب هم تغییر یابد و این مطلبی است که در سطور بعدیه اثبات خواهد رسید. مطلب دیگر آنکه مطمئناً عده ای هستند که معتقدند هرگز کسی نمیتواند از آینده خبر بدهد در اینصورت من به این دسته توصیه میکنم مطالب بعدی را با دقت و چندین بار مطالعه کنند تا جواب سؤال خود را بیابند.

پیشگویی آینده، واقعیت یا دروغ شیرین

پیشگویی آینده یعنی خبر دادن از رویدادی که هنوز اتفاق نیافتاده است. وقتی به این مطلب ازدیدگاه علوم متداول بشری بنگریم حتماً ما هم قبول خواهیم کرد که چنین چیزی امکان ندارد. چطور ممکن است از اتفاقی که هنوز رخ نداده خبر داد. اما اینکار شدنی است و این بدلیل همان ارتباط اجزای جهان با یکدیگر است که قبلاً عرض شد. در اینجا سعی میکنم با مثالی ساده موضوع را روشن کنم. اگر شما شخصی را ببینید که روی شاخه درختی نشسته و مشغول بریدن همان شاخه میباشد، میتوانید با اطمینان بگوئید که این شخص لحظاتی دیگر سقوط کرده و اگر نمیرد حتماً دچار صدمات شدیدی بسته به

ارتفاع و شدت سقوط خواهد شد. اتفاقات دنیا هم به همین صورت قابل پیش بینی است. هر چند که در میان معتقدان به این نظر هم اختلاف عقیده بسیار است و هر گروه معتقدند که تئوری آنها بسیار بهتر و روشن‌تر از آراء و عقاید دیگران این موضوع را اثبات میکند. ولی حقیقت همان است که در قبل گفته شد، یعنی همان ارتباط جهانی بین اجزای آن و اینکار میتواند به روشهای مختلفی صورت بگیرد، مثل انواع فالها و یا استفاده از علم نجوم و یا رمل و علوم دیگر، اما دقیقترین روش همانا استفاده از علم شریف جفر است و این روش براسرار حروف و کلمات استوار است و تفصیل آن به این صورت است که ملاحظه میفرمائید. لطفاً مطالب بعدی را با دقت بیشتری مطالعه کنید.

حروف به اذن خدا از آینده خبر میدهند

اگر بشر هیچگاه موفق به صحبت کردن و اختراع خط و نوشتن نمیشد معلوم نبود سرنوشت انسانها به کجا ختم میشد. اما بمحض اینکه کلام بوجود آمد و حروف جان گرفتند در لوح محفوظ هم سرنوشت عالم شکل گرفت. یعنی اینکه وقتی حروف جان گرفتند در همان زمان تمام اتفاقات زمانهای آینده هم قابل پیش بینی شدند و این به آن دلیل است که وقتی ما سؤالی مطرح میکنیم جواب آن سؤال هر چه که باشد باز بوسیله حروف و کلمات اداء خواهد شد. مثلاً فرض کنید که ما سؤال کردیم دزد خانه فلانی کیست؟ آیا غیر از این است که دزد هر کس که باشد نام و نشانی دارد و این نام و نشان باز باید بوسیله همین حروف و کلمات بیان شود، در هر زبانی که باشد. به زبان دیگر تمام اسرار جهان و مخلوقات آن در ترکیبات حروف نهفته است.

من در این مورد بیشتر توضیح میدهم تا مطلب واضحتر گشته و در نتیجه عظمت این علم بهتر قابل درک خواهد بود. ما به عنوان انسان علی الظاهر تا به اینجا، تنها موجودی هستیم که بر روی زمین قادریم منظور خود را بوسیله حروف و کلمات و در نهایت صحبت کردن یا نوشتن به هموعان خود بفهمانیم.

هر زبانی در جهان از حروف و آوایی که صدای آن حروف هستند و در نهایت از دستور زبان خاص آن زبان تشکیل میشود. حروف اشکالی هستند که در هر زبان به انواع مختلف موجود بوده و دارای معادل آوایی میباشند. آواها صدایی هستند که وقتی انسانها آن صدا یا صوت را از دهان خارج میکنند طرف مقابل متوجه میشود که منظور شخص کدام حرف است. وقتی ما به روش خاصی تعدادی از آواها را از دهان خارج کرده یا تعدادی از حروف را روی کاغذ میآوریم برطبق قراری که از قبل در آن زبان گذاشته شده پی به معنی آنها میبریم.

زبان فارسی نیز مانند هر زبان دیگری حروف مخصوص بخود را دارد و از این لحاظ از تمام زبانهای دنیا برتر است زیرا تنها زبانی در دنیاست که همه آواها را دارا میباشد. مثلاً در زبان عربی حروف «پ- چ- ژ- گ» وجود ندارد بنابراین آن زبان از جهت آوایی با محدودیت مواجه است و مجبور است که به عوض حروف یادشده معادل‌های آوایی بسازد.

حال به این نکته دقت فرمایید، همانطور گفتیم هر چیزی در این دنیا نامی دارد و اگر ما کتابی داشته باشیم که تمام اطلاعات حروفی در آن باشد این به آن معنی خواهد بود که میتوانیم هر چیزی را که بخواهیم در آن کتاب بیابیم. حال میخواهیم بشما فرمولی ساده را نشان دهیم که با بکار بردن آن میتوانید از تمام حوادث جهان از آغاز تا انتها با خبر شوید. این فرمول بسیار ساده بوده و پایه و اساس علم جفر را تشکیل میدهد. با دقت به مطالب بعدی اسرار زیادی برای شما آشکار خواهد شد.

اگر ما دو حرف در اختیار داشته باشیم، مانند «**ب و الف**» فقط دو ترکیب از این دو حرف حاصل خواهد شد به این ترتیب «**با و آب**» حال اگر ما ۳ حرف در اختیار داشته باشیم مانند «**ا-ت-ش**» ۶ ترکیب خواهیم داشت به این شکل «**آتش - آشت - تاش - تشا - شتا - شات**» و بجز از این ما نمیتوانیم از ۳ حرف ترکیب بیشتری استخراج کنیم. حال اگر تعداد حروف ما بیشتر باشند و ما آنها را به ترتیب خاص و با فرمول خاصی با یکدیگر ترکیب کنیم، آنگاه به تعداد حروفی که در اختیار داریم هزاران ترکیب خواهیم داشت و چون همانطور که گفتیم این ترکیبات بر اساس فرمول خواهد بود پس، ما باید شاهد بروز هزاران و شاید میلیونها ترکیب باشیم که مطمئناً بسیاری از آنها بی معنی بوده و بهمان نسبت در میان آنها ترکیبات بسیاری هم با معنی ظاهر خواهد شد. به مثال ذیل دقت کنید.

ما در زبان فارسی دارای دستور زبان هستیم مانند هر زبان دیگری و قادریم بود از میان این ترکیبات آنهایی را که مطابق دستور زبان مامعنی دار هستند جدا کنیم. مثلاً اگر حروف «**س - الف - ی - ر**» را جدا جدا به کار ببریم، هیچ معنی ندارد ولی اگر مطابق دستور زبان فارسی عمل کرده و بخواهیم از این ۴ حرف ترکیب معنی داری بدست بیاوریم آنگاه ترکیبات ذیل را خواهیم داشت. ❁ **اسیر - یاسر - سیار - ساری** ❁ که هر کدام در زبان ما با معنی هستند.

همچنین همه شما در باره "**اسم اعظم**" خدای متعال چیزهایی شنیده اید. آن اسم هر چه که باشد بالآخره باز هم از حروف و کلمات ساخته شده است و ما اگر با فرمولی که گفتیم جلو برویم خواهیم توانست آن را بیابیم. این فرمول را در علم جفر "کتابت جفر جامع" مینامند و ما در همین کتاب طرز نوشتن آن را آموزش خواهیم داد.

حال اگر تعداد حروفی که در اختیار ما قرار داده شده افزایش پیدا کند و ما با فرمولی که بعداً توضیح میدهیم این حروف را با هم ترکیب کنیم آنگاه است که از این ترکیبات کلمات و جملات با معنی بیرون خواهد آمد که هر کدام میتواند سرّی از اسرار هستی را فاش کند.

کتاب جفر جامع و استخراج جواب

علماء بزرگ جفر پاسخ سوالات خود را از کتابی استخراج میکنند که به آن «**کتاب جفر جامع**»

میگویند. اساس این کتاب بر مبنای ۲۸ حرف الفبای عربی بوده به این شکل (ا-ب-ج-د-ه-و-

ز-ح-ط-ی-ک-ل-م-ن-س-ع-ف-ص-ق-ر-ش-ت-ث-خ-ذ-ض

-ظ-غ). و دارای ۷۸۴ صفحه میباشد. از ضرب (۲۸ × ۲۸ = ۷۸۴) حاصل میشود. در هر صفحه آن

جدولی ۲۸ در ۲۸ خانه جمعاً با ۷۸۴ خانه وجود دارد و در هر خانه آن ۴ حرف میباشد.

علت اینکه در هر خانه آن ۴ حرف قرار داده اند این است که هر حرف به نشانه یکی از عناصر اربعه

سازنده جهان است به ترتیب ظهور عناصر (**آتش-باد-آب-فلك**) در طبیعت و از سبک به سنگین،

سپس هر ۲۸ صفحه از این کتاب را به یک حرف اختصاص میدهند، بر مبنای ترتیب ابجدی، ۲۸

صفحه اول را به حرف «**الف**» اختصاص میدهند و بعدی را به حرف «**ب**» و همینطور الی آخر.

هر حرف در خانه نشانه چیزی است که فرمول ورود به این کتاب است به این صورت که، حرف اول

هر خانه نشان دهنده آن است که این صفحه از کتاب متعلق به چه حرفی است. پس مثلاً در ۲۸ صفحه

اول کتاب که اختصاص به حرف «**الف**» دارد؛ در هر صفحه و در هر خانه ای این حرف، اول از همه

قرار دارد. حرف دوم هر خانه نشان دهنده آن است که این چندمین صفحه از آن ۲۸ صفحه ای است

که تعلق به حرف اول خانه دارد.

حرف سوم نشان دهنده عدد سطر افقی خانه از ۷۸۴ خانه هر صفحه میباشد. همانطور که گفتیم هر

صفحه از کتاب جفر جامع دارای ۷۸۴ خانه میباشد، یعنی جدولی مربع شکل که دارای این تعداد خانه

است . هر ۲۸ خانه افقی را یک سطر میگویند به این شکل:

--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--

این یک سطر افقی است که البته ۱۴ خانه بیشتر اینجا جا نشود. حرف چهارم هر خانه شماره همان خانه

است . مثلاً اگر به خانه های بالا نگاه کنید، در هر خانه میتوان ۴ حرف را نوشت .

حال اگر ما بخواهیم اولین صفحه از این کتاب ۷۸۴ صفحه ای را بنویسیم چگونه باید اینکار را بکنیم؟

پاسخ این است که ما در اولین خانه از سمت راست اولین صفحه آن کتاب باید ۴ حرف **الف** را

بنویسیم که اولی نشان دهنده آن است که ۲۸ صفحه اول این کتاب اختصاص به آن حرف دارد. پس

در تمام این ۲۸ صفحه و در کل خانه های هر صفحه اولین حرف از سمت راست حرف **الف** خواهد

بود. حرف دوم آن خانه نیز نشاندهنده آن است که این اولین صفحه از آن ۲۸ صفحه متعلق به الف

است . حرف سوم هم نشان میدهد که این اولین سطر از ۲۸ سطر افقی این کتاب است و حرف چهارم

هم نشان دهنده آن است که این اولین خانه از ۲۸ خانه سطر اول است . حال چند خانه از صفحه اول و

سطر اول این کتاب را با هم مینویسیم .

۱۱۱۱	۳۳۳	۲۲۲	۴۴۴	۵۵۵	۶۶۶	۷۷۷	۸۸۸	۹۹۹
------	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----

در اصطلاح علمای علم جفر حرف اول هر خانه را نشانه یک (جزو) از ۲۸ جزو جفر و حرف دوم

رایک (صفحه) از ۲۸ صفحه هر حرف و حرف سوم را یک (سطر) از ۲۸ سطر افقی و حرف

چهارم را نشانه یک (خانه) از ۲۸ خانه هر سطر و در انتها آن کتاب میدانند.

حال شما هر کلمه ۴ حرفی به هر زبانی که بخواهید در این کتاب میتوانید پیدا کنید، بدون اینکه آن

کلمه در خانه دیگری از خانه های آن تکرار شده باشد و اصل هم همین است. یعنی اگر کلمه ای در

دو خانه تکرار شود معلوم میشود که در یکجا موقع نگارش اشتباه شده است.

مثلاً اگر ما بخواهیم به عنوان مثال کلمه (ام ی ر) را در این کتاب پیدا کنیم کافی است که در جزو

اول که حرف الف است و در صفحه سیزدهم چون حرف (میم) سیزدهمین حرف ابجد است و در

سطر افقی دهم و در خانه بیستم همان سطر کلمه مورد نظر را بیابیم.

علماء جفر برای نوشتن و در خانه نهادن کتاب جفر جامع خواص بسیار زیادی ذکر کرده اند که در

کتاب مستقل مربوط به نحوه نگارش جفر جامع بطور مفصل به آن پرداخته ایم که طی دوره آموزشی

در اختیار شما قرار خواهد گرفت. در صفحه بعد صفحه اول از کتاب جفر جامع را که کامل نوشته ایم

بعنوان سرمشق به شما تقدیم میکنیم.

همانطور که قبلاً گفتیم علمای علم جفر جوابهای خود را از آن کتاب استخراج میکنند و اسرار آن جز بر خواص بر کس دیگری آشکار نخواهد شد. حال به این نکته توجه کنید: همانطور که ملاحظه کردید در هر خانه از جفر جامع فقط ۴ حرف جای میگیرد، بنابراین در هر خانه نهایتاً یک کلمه معنی دار بدست خواهد آمد و نه بیشتر. حال اگر کتابی داشته باشید که در هر خانه آن صدها و هزارها حرف باشد آنگاه چه چیزهایی استخراج خواهد شد؟

آیا شما میتوانید حتی فکرش را هم بکنید که قبل از اینکه پدر و مادر شما اصلاً وجود داشته و با یکدیگر ازدواج کنند؛ اسم شما به عنوان فرزند آنها در خانه ای از خانه های آن کتاب ظاهر شده باشد. مثلاً اگر حتی هر خانه آن کتاب فقط دارای ۲۸ حرف هم که بود باز اطلاعات جالبی بدست می آمد. ما در اینجا یک نمونه از این کار را انجام داده ایم.

فرض کنید که شما کتابی در اختیار دارید که در اولین خانه از صفحه اول این کتاب ۲۸ حرف الف

قرار دارد به این صورت که رسم گردیده است:

////////////////////

بنابراین در خانه دوم همان سطر شما ۲۷ حرف الف و

یک حرف ب خواهید داشت به این صورت که

ملاحظه میفرمائید:

ب////////////////////

حال در این میان اتفاق جالبی رخ خواهد داد و آن این خواهد بود که هر چه عبارت بی معنی و با معنی که دارای ۲۸ حرف باشد در خلال خانه های این کتاب آشکار خواهد شد که بسیاری از آنها حتی آیات قرآن و یا اشعار شاعران و یا شرح اتفاقاتی خواهد بود که قرار است در آینده رخ دهد و یا در گذشته اتفاق افتاده است.

مثال واقعی، این مصرع از شاعر بزرگ حافظ شیرازی را میتوان در حرف چهارم، صفحه دوازدهم و سیزدهم و دهم و بیستم و ششم و چهارم و هفتم و چهارم و پانزدهم و بیست و دوم و سیزدهم و هجدهم و اول و هشتم و دوم و چهارم و دوازدهم و اول و چهاردهم و بیست و چهارم و اول و بیستم و اول، اول، اول، اول یافت. یعنی اگر شما موفق به نوشتن چنین کتابی شوید بی برو برگرد عین این مصراع را در همین نشانی که دادیم خواهید یافت. اصل مصراع این است: (دل میرود زدستم صاحب‌دلان خدا را) و باز شده آن این است. دل می رود زدستم صاحب‌دلان خدارا = ۲۸

وقتی به این شکل پیش برویم تمام اسرار زمین و زمان و پاسخ تمام سؤالات نپرسیده هم استخراج خواهد شد.

اما به این موضوع هم توجه داشته باشید که اگر شما سؤالی طرح بکنید که حداکثر تعداد حروف آن ۲۸ حرف باشد بطور حتم جواب سؤال شما هم در یکی از هزاران خانه این کتاب به همان تعداد ۲۸ حرف خواهد بود بدون شک. اما کدام خانه؟ زیرا هزاران ترکیب در این خانه ها ساخته شده و ما از کجا بفهمیم که کدامیک جواب درست و واقعی سؤال ما خواهد بود و جفر یعنی همین، بعبارت دیگر

جفر یعنی علمی که به ما نشان میدهد جواب سؤال ما در کدامیک از این هزاران خانه واقع شده است. حال شما قضاوت کنید که این علم تا چه اندازه ارزشمند است و تازه این یکی از صدها راه پی بردن به پاسخ سؤالات در این علم است.

از آنجاییکه ساختن کتابی که در خانه های آن بیش از ۴ حرف جای بگیرد بسیار دشوار و حتی غیر ممکن است بنابراین بجای آن حضرت علی علیه السلام در علم جفر کتاب مادر را طراحی کردند که در صفحات قبل معرفی شد. جفار (اساتید جفر) با ۴-۴ کردن حروف هر سؤال میتوانند بی نهایت ترکیب استخراج کنند و این یک شاهکار بی نظیری است که فقط از دست مولی متقیان ساخته بود.

این روش که به شما معرفی شد، روش اصلی در علم جفر برای استخراج جواب سؤالات است، اما اساتید جفر در طول این هزار و اندی سال که از عمر دین اسلام میگذرد روشهای دیگری هم ابداع کرده اند و همه آنها روشهای خود را فقط به فرزندان خود یا شاگردان بسیار خاص خود می آموختند. این نوع جفر را من، جَفر سَنَنی مینامم. استادی در این روش بر فرض داشتن استادی که از هیچ کاری برای موفقیت انسان دریغ نکند، عملاً یک عمر طول میکشد و این زمان برای همه میسر نمیشود.

در مقابل جفر سنتی من روش خودم را ابداع کردم که آن را «جفر نوین رهنما» نامیدم. در این روش افراد آموزش جفر را از سیستم «جفر آسان» شروع کرده و در همان حین شروع به فراگیری فرمولهای جفر سنتی هم مینمایند. امتیاز این روش نسبت به روشهای قدیمی در آن است که فرد در

طول مدت زمانی که با جفر سنتی درگیر است، از فواید علم جفر بی بهره نمیماند.

جفر نوین (هنما و کاربرد آن

همانگونه که در قبل گفته شد، جفر علم حروف و اعداد با موضوع مشخص و پایه و اساس بسیار مستحکمی بوده و دارای شاخه های متعددی میباشد. معروفترین شاخه جفر که عامه مردم این علم را با این توانایی میشناسند، شاخه احکامی یا استخراج جواب سؤالات میباشد، به این صورت که شخصی سوال مشخصی را مطرح میکند و سپس استاد از دل حروف سوال جواب آنرا بیرون میکشد. یک شاخه دیگر جفر استخراج اسماء الله و اذکار و اوراد میباشد. شاخه دیگر آن علم تکسیرات و استفاده از خاصیت حروف در ساخت طلسمات و نوشتن ادعیه میباشد.

بطور خلاصه باید گفت که این علم در هر جایی کاربرد دارد و محدودیت خاصی ندارد. و اما جفری که من آن را تعلیم میدهم با روش سنتی آن بسیار متفاوت است. روش من مرحله به مرحله یا پله به پله است و هر شخص بعد از اینکه گام اول را با موفقیت طی کرد میتواند وارد مرحله بعدی شود. این مراحل بطور کامل در کتب و دوره آموزشی آن تدریس میشود.

پایه و اساس آموزشهای بنده را تفکر صحیح تشکیل میدهد به این صورت که من دانشجویان خود را وادار میکنم که در مراحل ابتدایی خود بدنبال جواب هر مسئله بروند و وقتی که جواب صحیح را بیابند آن جواب متعلق به خود آنها خواهد بود، بنابراین خودشان میتوانند در باره آن ساعتها توضیح بدهند و از آنجایی که یافته خود آنها میباشد پس کسی نمیتواند آن حقیقت را از چنگ آنها برآید.

این روش آموزشی باعث میشود تا هر شخصی از ذهن خود در جهت صحیح کار کشیده و بدین ترتیب قوای نهفته مغزی خود را شکوفا کند برعکس تمام روشهای آموزشی در دنیا که ابتدا مطلبی را بخورد شاگردان میدهند و سپس همان را از آنها امتحان میگیرند و افراد فکر میکنند که چیزی فرا گرفته اند در حالیکه اطلاعاتی را بخورد خودشان داده اند که متعلق به کس دیگری بوده و آنها حتی نمیتوانند حقانیت چیزی را که فرا گرفته اند را ثابت کنند. اما من چون جفر را از کسی یاد نگرفته ام و یافته های من تماماً حاصل زحمات شبانه روزی ام میباشد پس نه تنها میتوانم حقانیت آنرا در هر کجا و نزد هر کسی اثبات کنم بلکه کسی هم نمیتواند حقیقتی را که کشف کرده ام از من بگیرد.

ساختار جفر رهنما

جفری که من تعلیم میدهم حاصل سالها زحمت و تلاش و کوشش و کشف خود بنده است و آن را از کسی نیاموخته ام به همین دلیل شما نظیر آن را در جای دیگری نخواهید دید و بغیر کتابهایی که اینجانب مینویسم و در اختیار علاقمندان قرار میدهم مرجع و منبع دیگری وجود ندارد که شما بتوانید از آنها کمک بگیرید پس قدر این کتب را بدانید و آنها را در اختیار احدی قرار ندهید، چه آنکه شما برای بدست آوردن اینها هزینه کرده و زحمت کشیده اید پس نباید بگذارید کسی مفت و مجانی به حاصل زحمت شما دست بیاندازد. پایه و اساس و لب و لباب روش من بر چند اصول اعتقادی استوار است که در صفحه بعد بطور مشروح آنها را توضیح داده ام بنابر این از شما میخواهم مطالب صفحه بعد را به دقت مطالعه کنید.

اصل اول: اعتقاد ما بر این است که این جهان خالق و مالک قدرتمندی دارد که هزاران نام دارد، اما ما او را بنام الله میشناسیم و معتقدیم که او جهان را با حکمت و تدبیر الهی خود به صورتی آفریده که تمام اجزای آن با یکدیگر ارتباط داشته و برهم اثر گذاشته و تأثیر میپذیرند و هیچ جزئی در این عالم از این قاعده بیرون نیست. همچنین ما معتقدیم که هر چیزی در این دنیا دارای قدرت مثبت و منفی بوده و در این میان حتی سنگها و گیاهان و خاک و باد و آب و آتش و خلاصه تمامی آفریده ها و حتی حروف و اعداد و ماه و ستارگان در زندگی ما مؤثر بوده و میتوانند اثرات انکار ناپذیری در سرنوشت هر انسانی بجای بگذارند.

اصل دوم: ما معتقدیم که علوم غریبه، از جمله علم شریف جفر هدیه خداوند به بشر است زیرا از آنجایی که همیشه علت بسیاری از شکستها و ناکامیها و بیماریها و هزار و یک چیز دیگر برای ما آشکار نبوده و در پس پرده غیب قرار دارند، پس رحمانیت خدا اینجاب میکند که انسان را تنها و بدون چاره در برابر مشکلات رها نکند بنابراین در اینجا اراده خداوندی بر اساس رحمانیت او بر این قرار میگیرد تا علومی را به بشر الهام کرده و بیاموزد تا وی بتواند جهان پیرامون خود را شناخته و با تشخیص خیر و شر و کشف اسرار عالم خود را از خطرات مصون نگاهداشته و از چیزهایی که برای او مفید هستند در جهت راحتی و آسایش خود بهره ببرد.

اصل سوّم: اعتقاد ما براین است که تمام اسرار جهان و کائنات در درون آدمیست و از آنجائیکه انسان خلیفه خداست و خداوند از روح خود در او دمیده است. بنابراین پس هر انسانی ذاتاً این استعداد و توانایی را دارد که به اسرار عالم واقف شود و علوم مختلف درونی وسیله ای برای انتقال این اسرار به بیرون میباشند و علم جفر نیز دانشی سودمند و متعالی و روش و فنی است که بوسیله حروف و اعداد رازها را گشوده و پرده از اسرار بر میدارد و به انسان این قدرت را میدهد که با آگاهی بیشتری بسمت مقدرات برود و اگر توانائی تغییر چیزی را ندارد حداقل با آرامش بیشتری آن را بپذیرد. همچنین این علم به انسان این امکان را میدهد که در اثر ارتباط با عالم بالا راه علاج بیماریها و شفای بیماران را بیابد، راه حل بسیاری از مشکلات بظاهر لاینحل را کشف کند و هزاران فایده دیگر نصیب افراد بشر بنماید.

این سه اصل اساس اعتقادات ما در باره این علم و صحت و درستی آن میباشد. خوشحال خواهیم شد تا اگر کسی مخالف این نظریات است با من تماس گرفته و خلاف آن را ثابت کند. مطمئنم هرگز چنین کسی یافت نخواهد شد زیرا تمامی اعتقادات ما دقیقاً بر اساس شریعت عالی اسلام و مذهب شیعه اثنی عشری میباشد.

سفن آفر

مطالبی که در باره علم جفر در این کتاب به نظر شما رسید ممکن است در کتب آموزشی دوره جفر هم کم یا بیش تکرار شده باشد. پیشاپیش پوزش بنده را بخاطر تکرار مطالب بپذیرید. البته لازم به ذکر است که چون این کتاب برای آموزش دوره پیشگویی تدوین شده ، لذا برای آن دوره مطلبی تکرار نشده، اما بنده چون این کتاب را هم در دوره آموزش جفر برای دوستان می فرستم تا در این زمینه هم به اطلاعات درستی دست یابند لذا ، مطالب در جاهایی مکرر می شود.

در آخر این کتاب نکته مهمی که لازم می دانم مرتب آن را تکرار کنم را باز هم یادآور می شوم و آن دعوت از همه دوستان برای رسیدن و دستیابی به شناخت درست است ؛ لذا بدون آن ما در این جهان گم می شویم.

با شناخت درست تمام اسرار عالم برای ما فاش می شود و به راز خلقت و بودن خود در این عالم پی خواهیم برد. حتی در امر یادگیری علوم غریبه هم این شناخت درست خیلی مهم است. انشاء الله در فرصتهای آتی بیشتر در این باره با یکدیگر صحبت خواهیم کرد. موفق باشید. دوستدار شما ، **رهنا**